

فهرست

ایران‌نامه

سال ۲۷، شماره ۱ بهار ۱۳۹۱/۲۰۱۲

۹۸ سفره نان، سفره دل
فرشته کوثر

۱۲۲ بازنمایی فضا در سینمای معاصر ایران
علی مدنی‌پور

خانه، خانواده و شهر
روایت تجدد در کلاغ و شاید وقتی دیگر بهرام بیضایی ۱۴۲
سعید طلاجوی

۱۶۲ تصویر شهر در سینمای رخشان بنی‌اعتماد
مهرزاد دانش

۱۷۴ بررسی شهرنشینی و اصلاحات در زیر پوست شهر
بلیک اتوود

۱۹۰ خانواده در آثار سینمایی رخشان بنی‌اعتماد
شهلا لاهیجی

۱۹۶ مادر مجرد در سینمای معاصر ایران
ایلمیرا دادور

فرگرد پژوهش

۳ هزاره فردوسی، فرهنگ پیرایی و هویت‌آرایی
پریسا ظهیرامامی

۲۶ عطار و جنون صوفیانه
سهیلا صارمی

۳۴ ردّیه‌خوانی در کرمان: تحلیل ردّیه‌های شیخی
لیلا چمن‌خواه

۵۰ ختنه دختران، مطالعه موردی در شهرستان قشم
رایحه مظفریان

گزیده

۲۰۴ بازگشت یکه سوار
پرویز دواپی

۲۲۰ سینما در ایران
سیامک پورزند

۲۲۶ فیلم‌برداری در ایران
ابراهیم مرادی

یادنامه ایرج افشار

۶۲ همایون کاتوزیان، ویراستار مهمان

۶۴ که کیمیای سعادت رفیق بود رفیق
منوچهر ستوده

بررسی فیلم

۶۶ زنده‌یاد ایرج افشار
سید عبدالله انوار

۲۳۰ جدائی نادر از سیمین
مهوش شاهق

۷۲ یک شمعک کوهی بر مزار ایرج افشار
محمد ابراهیم باستانی پاریزی

بررسی کتاب

۲۳۶ صد سال اعلان و پوستر فیلم در ایران
گلبرگ رکاب‌طلایی

۹۰ پی‌آبندنگاری‌های ماندگار
ناصرالدین پروین

Parisa Zahir-Emami, "The Ferdowsi Millennium,"
Iran Nameh, 27:1 (2012), 03-25.

فرگرد پژوهش

هزارهٔ فردوسی، فرهنگ پیرایی و هویت آرایی

پریسا ظهیرامامی

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تورنتو

Parisa Zahir-Emami

parisa.zahiremami@utoronto.com



مجسمه‌های برگرفته از شاهنامه، آرامگاه فردوسی، توس (عکس: آرش نیک‌نژاد)

۱. مقدمه

جشن هزارهٔ فردوسی به مناسبت نهمصدمین سال تولد این شاعر بزرگ و ورود به هزارهٔ فردوسی در سال ۱۳۱۳ ش. (۱۹۳۴ م.) در ایران و سایر کشورهای جهان از جمله اتحاد جماهیر شوروی، آمریکا، آلمان، انگلستان، فرانسه، ایتالیا، سوئد، و مصر برگزار شد. فردوسی که به دلیل روایت افسانه‌های کهن و تاریخ ملی ایران و تلاش برای پرهیز از به کار بردن واژه‌های عربی در شاهنامه، همواره مورد تقدیر وطن‌پرستان ایرانی قرار گرفته بود، در دوره پهلوی به دلیل سیاست‌های ملی‌گرایانه این دولت بیش از پیش مورد

پریسا ظهیرامامی لیسانس ادبیات فارسی را در سال ۲۰۰۹ از دانشگاه شیراز دریافت کرد و اکنون دانشجوی فوق لیسانس دانشگاه تورنتو است.

ISSN 0892-4147 print/ISSN 2159-421X online/2012/27.1/03-25

در مهر ماه ۱۳۱۳ ش. در تهران برگزار شد، اولین کنگره علمی بین‌المللی برگزار شده در ایران و محل گردهمایی و تبادل نظر اندیشمندان بزرگ ایرانی و شرق‌شناسان برجسته جهان در باره فردوسی، زندگی و شعر او بود. تأکید بر نقش فردوسی در حفظ زبان فارسی از مهمترین بن‌مایه‌های کنگره فردوسی بود که به موجب آن اهمیت پاک‌سازی زبان فارسی از واژه‌های بیگانه - که از مدت‌ها پیش مطرح شده بود - مورد توجه بیشتری قرار گرفت. این امر زمینه‌ساز تأسیس فرهنگستان زبان فارسی در سال ۱۳۱۴ ش. (۱۹۳۵ م.) و تلاش برای "پاک‌سازی زبان شیرین پارسی از زبان دشوار عرب" شد.^۲ به علاوه، در جریان کنگره هزاره فردوسی دانش شرق‌شناسی در خدمت اجرای برنامه‌های فرهنگی - سیاسی دولت قرار گرفت و زمینه لازم را برای تحقق آرمان‌های ملی دولتمردان پهلوی فراهم نمود. جشن هزاره فردوسی را می‌توان از رویدادهای مهم فرهنگی قلمداد کرد که بازخوردهای مهمی در سطح ملی و بین‌المللی داشت. تفاخر به عظمت تاریخ ایران پیش از اسلام و تأکید بر برتری نژاد آریایی در جشن فردوسی از عوامل مؤثر در بازپردازی هویت ملی ایرانیان بود. در همین راستا در سال ۱۳۱۴ ش. (۱۹۳۵ م.) نام کشور از "پرشیا" (Persia) به "ایران" تغییر کرد.

در این مقاله به توصیف چگونگی برگزاری جشن هزاره فردوسی در ایران و سایر کشورها، نحوه شرکت مردم و اندیشمندان ایرانی و خارجی در این جشن و بازخوردهای آن در سطح ملی و بین‌المللی خواهیم پرداخت.

۲. جشن هزاره فردوسی

تأکید بر سره‌نویسی و برتری نژاد آریایی بر اعراب، که از عهد صفوی و با نگارش متون دساتیری در هند اهمیت ویژه‌ای یافته بود، در زمان سلطنت رضاشاه به اوج رسید و در سرلوحه برنامه احیای هویت ملی و فرهنگی قرار گرفت.^۳ در دهه‌های ۱۳۰۰ و ۱۳۱۰ ش.



توجه قرار گرفت. به طوری که در آستانه جشن هزاره فردوسی از این شاعر ملی با عنوان "پیامبر" سخن به میان می‌آمد و از شاهنامه به عنوان "قرآن عجم" یاد می‌شد.^۱ مهمترین بخش جشن هزاره فردوسی در ایران را می‌توان کنگره هزاره فردوسی دانست. این کنگره که

³Mohamad Tavakoli-Targhi, "Narrative identity in the works of Hedayat and his contemporaries," *Sadeq Hedayat: his work and his wondrous world*, ed., Homa Katouzian (London: Routledge, 2008), 113.

همچنین بنگرید به:

Mohamad Tavakoli-Targhi, *Refashioning Iran*, 77-95.

¹شاهنامه هست بی‌اغراق قرآن عجم / رتبه دانای توسی رتبه پیغمبری / به نقل از محمد تقی بهار، "کل صید فی جوف الفراء"، مهر، سال ۲، شماره ۵ (۱۹۳۴)، ۴۰۶.

²Mohamad Tavakoli-Targhi, *Refashioning Iran: Orientalism, Occidentalism, and Nationalistic Historiography* (New York: Palgrave, 2001), 104.

(۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ م.) تلاش‌های زیادی برای "بازیابی حافظه ملی" از طریق احیای آثار هنری، تاریخی، و ادبی پیش از اسلام صورت پذیرفت.^۴ در همین راستا انجمن آثار ملی توسط عده‌ای از دولتمردان و اندیشمندان به دستور رضاشاه در سال ۱۳۰۱ ش. (۱۹۲۲ م.) بنیان‌گذاری شد و آغاز به کار کرد. از جمله اقدامات این انجمن بزرگداشت شخصیت‌های مهم تاریخی و ادبی بود. بزرگداشت فردوسی و معرفی وی به عنوان قهرمان ملی ایرانیان به ملت ایران و سایر کشورهای جهان نه تنها اقدامی فرهنگی، بلکه عملی سیاسی برای بازپردازی هویت ملی ایرانیان با تکیه بر شکوه و عظمت ایران باستان بود. مراسم جشن فردوسی به مناسبت نهمصدمین سال تولد او و ورود به هزاره فردوسی در پاییز ۱۳۱۳ ش. (۱۹۳۴ م.) برگزار شد. مهمترین اقدامات دولت برای برگزاری این جشن، بازسازی آرامگاه فردوسی در توس و برگزاری کنگره هزاره فردوسی بود.

جشن هزاره فردوسی که در ابعاد وسیع در شهرهای مختلف ایران و جهان بر پا شد، بازخوردهای سیاسی فرهنگی مهمی در سطح ملی و بین‌المللی داشت. انجمن آثار ملی با همکاری برخی از ارگان‌های دولتی از مدت‌ها پیش از آغاز جشن مشغول تهیه تدارکات لازم برای برگزاری این مراسم بزرگ بود. اخبار مربوط به آمادگی برای جشن در روزنامه‌ها و نشریات مختلف به چاپ می‌رسید. کتاب‌های زیادی درباره فردوسی، شعر و زندگی او و تاریخ ایران

باستان نوشته شد و نسخه‌ها و تصحیحات مختلفی از شاهنامه به بازار آمد. ملک‌الشعراى بهار کتاب شرح حال فردوسی از روی شاهنامه را نوشت. وی در این کتاب تلاش کرده تا وقایع زندگی فردوسی را بر اساس ابیات شاهنامه بازسازی نماید.^۵ همچنین محمد امین ادیب طوسی (۱۲۸۳-۱۳۶۱ ش.)^۶ منظومه‌ای بلند به نام پیام فردوسی سرود که به صورت کتاب به چاپ رسید.^۷ ابراهیم پورداوود یک سال قبل از آغاز جشن هزاره منظومه‌ای با عنوان یزدگرد شهريار، یادگار جشن سال هزارم فردوسی در بمبئی به چاپ رساند. این منظومه شرح آخرین مناجات یزدگرد سوم، پادشاه ساسانی، با خداوند و شکایت او از حمله اعراب است. دیدگاه نژادی منفی ایرانیان نسبت به اعراب و تأکید بر شکوه ساسانی، با خداوند و شکایت او از حمله این منظومه هستند. در پایان منظومه یزدگرد به تیغ آسیابانی در مرو کشته می‌شود. توصیف صحنه مرگ یزدگرد با لحنی احساسی، بیانگر افسوس خوردن شاعر بر روزگاران پر عظمت ایران باستان است که با مرگ آخرین پادشاه ساسانی به پایان می‌رسد.^۸ تقی نصر (۱۲۸۵-۱۳۶۴ ش.)^۹ کتاب تاریخ حقوق ایران از ابتدا تا هجوم عرب را، که شرحی کامل بر قوانین حقوقی و اجتماعی ایران پیش از اسلام بود، به زبان فرانسه بر اساس اسناد تاریخی و تحقیقات شرق‌شناسان برجسته دنیا نوشت.^{۱۰} در یکی از آگهی‌های روزنامه ایران خواندن این کتاب و شناخت ایران باستان به عنوان بهترین قدردانی از فردوسی معرفی شده است.^{۱۱} به مناسبت جشن هزاره فردوسی

^۴Tavakoli-Targhi, "Narrative identity in the works of He-dayat," 110-111.

درباره اقدامات دولت پهلوی برای بازیابی حافظه ملی ایرانیان، بنگرید به: Afshin Marashi, *Nationalizing Iran: Culture, Power, and The State, 1870- 1940* (Seattle: University of Washington Press, 2008), 110- 132.

^۵ بهترین شرح حال حکیم ابو لقاسم فردوسی طوسی، "ایران، سال ۱۸، شماره ۴۵۱۰ (۲۴ مهر ۱۳۱۳/ ۱۵ اکتبر ۱۹۳۴)، ۴. همچنین بنگرید به محمد تقی بهار، "شرح حال فردوسی از روی شاهنامه،" فردوسی نامه، به کوشش محمد گلبن (تهران: سپهر، ۱۳۴۵)، ۲۱-۷۹.

^۶ محمد امین ادیب طوسی، استاد تاریخ ادبیات ایران در دانشگاه تبریز، در مشهد به دنیا آمد. وی پس از اتمام تحصیلات خود در علوم دینی و تحصیل ادبیات و حکمت نزد ادیب نیشابوری، با هرستفدل، شرق شناس معروف، آشنا شد. به یادگیری زبان‌های سانسکریت و پهلوی پرداخت. وی مدتی در خدمت وزارت معارف بود. ادیب طوسی پس از اتمام تحصیلات خود در مقطع دکترا در دانشکده ادبیات تهران، در دانشگاه تازه تأسیس تبریز مشغول به کار شد. از جمله آثار اوست: دیوان ادیب طوسی (تبریز: ابن سینا، ۱۹۶۲)، فرهنگ لغات ادبی: شامل لغات و تعبیراتی که از متون فارسی استخراج شده است (تبریز: دانشگاه تبریز، ۱۹۷۲-۱۹۶۷) و ذیلی بر برهان قاطع یا فرهنگ لغات بازیافته: شامل قسمتی از لغات و تعبیرات مستدرک که باید به فرهنگ زبان فارسی افزوده شود (تبریز: چاپخانه شفق، ۱۹۶۴).

^۷ محمد امین ادیب طوسی، "کتاب پیام فردوسی"، ایران، سال ۱۸، شماره ۴۵۱۳ (۲۷ مهر ۱۳۱۳/ ۱۹ اکتبر ۱۹۳۴)، ۱. همچنین بنگرید به محمد امین ادیب طوسی، پیام فردوسی (تهران: مؤسسه مرئی، ۱۳۱۳).

^۸ ابراهیم پورداوود، یزدگرد شهريار، یادگار جشن سال هزارم فردوسی (بمبئی: انستیتو رابیندرانت تاگور، ۱۹۳۳).

^۹ تقی نصر در تهران متولد شد. وی پس از اتمام تحصیلات خود در دارالفنون به عنوان دانشجوی اعزامی به فرانسه رفت و در رشته حقوق به درجه دکتری نائل شد. پایان‌نامه او درباره حقوق در عهد ساسانیان بود. نصر پس از بازگشت به ایران در مناصب مختلف به فعالیت‌های حقوقی و اقتصادی خود ادامه داد و سر انجام در نیویورک دار فانی را وداع گفت. از جمله آثار اوست: ایران در برخورد با استعمارگران: از آغاز قاجاریه تا مشروطیت (تهران: شرکت مولفین و مترجمین ایران، ۱۹۸۴) و ابدیت ایران از دیدگاه خاورشناسان (تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، ۱۹۷۲).

^{۱۰} بنگرید به:

Taqi Nasr, *Essai sure L'histoire de Droit Persane des L'origine à L'invasion Arabe* (Paris: A. Mecheleinck, 1933).

^{۱۱} کاملترین قدردانی از فردوسی سعی در شناسایی ایران قدیم است، "ایران، سال ۱۸، شماره ۴۵۰۰ (۱۲ مهر ۱۳۱۳/ ۴ اکتبر ۱۹۳۴)، ۳.

علی محمد آزاد همدانی (۱۲۶۳-۱۳۲۴ ش.)^{۱۲} کتاب عشق و ادب را درباره شرح حال فردوسی و وضعیت حکومت در زمان او نوشت.^{۱۳} همچنین منظومه داستانی چهارصد سال بعد از فردوسی نوشته نصرت الله کاسمی (۱۲۸۹-۱۳۷۴ ش.)^{۱۴} حاوی یک مقدمه و یک داستان در پنج منظوم در همین زمان به چاپ رسید.^{۱۵} داستان این کتاب بخشی از ترجمهٔ مثنوی حکایت چهارصد سال بعد از فردوسی اثر نویسندهٔ فرانسوی فرانسوا کپه دوگور است.^{۱۶} شاهنامه چاپ بروخیم بر اساس نسخهٔ ولرس به تصحیح عباس اقبال در دوازده جلد و با مینیاتورهای رنگی به چاپ رسید. این کتاب حاوی ده جلد متن، یک جلد فرهنگ واژگان و یک جلد شرح حال فردوسی بود.^{۱۷} همچنین شاهنامه چاپ مؤسسهٔ خاور به تصحیح محمد رضائی با نقاشی‌های زیبا در پنج مجلد به مناسبت جشن فردوسی منتشر شد.^{۱۸} برخی از نشریات ادواری، اقدام به چاپ ویژه‌نامه جشن هزارهٔ فردوسی کردند. از جملهٔ این نشریات، نشریهٔ مهر بود. شمارهٔ ۵ و ۶ این نشریه تحت عنوان فردوسی نامه به مناسبت جشن هزارهٔ فردوسی در بیش از ۳۰۰ صفحه منتشر گردید. این ویژه‌نامه حاوی اشعار و مقالات گوناگون دربارهٔ فردوسی و شاهنامه و نقش فردوسی در حفظ تاریخ ایران و زبان فارسی است. قسمت پایانی این نشریه شرح مختصری است از سخنرانی‌های ارائه شده در کنگرهٔ فردوسی و حاوی عکس اندیشمندان ایرانی و خارجی شرکت کننده در این کنگره بزرگ می‌باشد.^{۱۹}

از چند ماه قبل از آغاز مراسم، دست‌اندرکاران جشن فردوسی به برنامه ریزی جشن و تدارک برنامهٔ گردش مستشرقین مشغول بودند. به منظور پذیرایی از مستشرقین در هنگام ورود به کشور، وزارت داخله

فردوسی را به عنوان مهماندار به بندر پهلوی، مشهد و مرزهای شرقی و غربی کشور اعزام کرد.^{۲۰}

در مدت اقامت مستشرقین در تهران شرح حال و سوابق علمی آنان، و همچنین ریزبرنامهٔ گردش آنها در روزنامه‌ها و نشریات مختلف منتشر می‌شد. در روز ۱۲ مهر، پس از مراسم افتتاح کنگره، شرق‌شناسان به دعوت انجمن آثار ملی از مجلس شورای ملی و مدرسه صنایع مستظرفه بازدید کردند. شرکت کنندگان در کنگره هزارهٔ فردوسی در روز ۱۳ مهر پس از اتمام سخنرانی‌ها، در یکی از سالن‌های تئاتر تهران به تماشای نمایش سه داستان از شاهنامه نشستند. در روز ۱۴ مهر پس از اتمام کار کنگره مدعوین به سمت میدان سلطنت آباد تهران حرکت کردند و از نزدیک به مشاهده مسابقهٔ چوگان بازی و نمایش‌های زورخانه، که وصف آنها در داستان‌های ملی ایران از جمله شاهنامه آمده است، پرداختند. در روز ۱۵ مهر مستشرقین پس از ایراد سخنرانی در کنگره فردوسی به گردش در کاخ سعد آباد پرداختند، سپس به تماشای تئاتر رستم و سهراب رفتند و در ۱۶ مهر، پس از اتمام کنگره از موزهٔ معارف بازدید کردند.^{۲۱} برنامه تفریحی میهمانان جشن فردوسی در مدت اقامت آنها در تهران، علاوه بر ایجاد امکان بازدید از مکان‌های دیدنی شهر، زمینهٔ آشنایی بیشتر آنها را با "ورزش‌های سنتی" و مظاهر فرهنگ و هنر در ایران فراهم نمود.

در روز سه شنبه ۱۷ مهر ۱۳۱۳، یک روز پس از پایان کنگرهٔ فردوسی، نخست وزیر، وزیر داخله، و وزیر معارف به همراه شرق‌شناسان و میهمانان جشن فردوسی تهران را ترک کردند و پس از توقف در سمنان، شاهرود، زیدر و سبزوار سرانجام در صبح روز ۱۹ مهر ماه از سبزوار به سمت نیشابور رهسپار شدند. این گروه پس از زیارت آرامگاه خیام به سمت

سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی، قائم‌مقام این سازمان شد و به توسعه خدمات بهداشتی-درمانی در روستاها پرداخت. در انتخابات دورهٔ شانزدهم مجلس شورای ملی به عنوان نمایندهٔ مردم ساری وارد مجلس شد و به عضویت کمیسیون مخصوص نفت در آمد. وی از جمله افرادی بود که در جریان ملی شدن صنعت نفت در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ نقش داشت.^{۱۲} "چهارصد سال بعد از فردوسی"، ایران، سال ۱۸، شمارهٔ ۴۵۰۳ (۱۶) مهر ۱۳۱۳/۱۸ اکتبر (۱۹۳۴)، ۱.

^{۱۳} این کتاب اخیراً با عنوان فردوسی پس از چهارصد سال: منظومه‌ای داستانی در یک مقدمه و پنج بند، به کوشش فضل‌الله کاسمی به شکل مصور تجدید چاپ شده است. بنگرید به نصرت‌الله کاسمی، فردوسی پس از چهارصد سال (تهران: دایره المعارف ایران شناسی، ۱۳۸۷).
^{۱۴} "شاهنامه فردوسی چاپ بروخیم"، ایران، سال ۱۸، شمارهٔ ۴۴۹۹ (۱۱) مهر ۱۳۱۳/۳ اکتبر (۱۹۳۴)، ۴.

^{۱۵} "دورهٔ تمام شاهنامه فردوسی"، ایران، سال ۱۸، شمارهٔ ۴۴۹۹ (۱۱)

^{۱۶} علی محمد آزاد همدانی در همدان متولد شد. وی پس از تحصیل علوم فارسی و عربی، از جمله صرف و نحو، بدیع، بیان، کلام، فقه و اصول در سال ۱۳۰۰ شمسی به سمت ریاست فرهنگ کاشان و در سال ۱۳۱۳ به سمت مدیریت ادبیات و بازرسی اداره فرهنگ همدان منصوب شد. کتاب عشق و ادب از جمله تألیفات وی است.

^{۱۷} کتاب عشق و ادب تألیف علی محمد آزاد همدانی در سال ۱۳۱۳ ش. توسط مؤسسه مری به تهران به چاپ رسید. عنوان دیگر این کتاب سرگذشت حکیم ابوالقاسم فردوسی است. همچنین بنگرید به آگهی "کتاب عشق و ادب"، ایران، سال ۱۸، شمارهٔ ۴۵۰۲ (۱۵) مهر ۱۳۱۳/۱۷ اکتبر (۱۹۳۴)، ۱.
^{۱۸} نصرت‌الله کاسمی پزشک، شاعر و سیاستمدار معاصر در تهران در خانواده‌ای مازندرانی متولد شد. او پس از اتمام تحصیلات خود در رشتهٔ پزشکی در دانشکدهٔ پزشکی دانشگاه تازه تأسیس تهران مشغول به تدریس شد. وی همچنین به همراه چند تن از دوستانش مجلهٔ پزشکی-بهداشتی درمان را منتشر کرد. در سال ۱۳۲۵ پس از تشکیل

مشهد حرکت کردند تا در روز ۲۰ مهر در مراسم افتتاح آرامگاه فردوسی شرکت کنند.^{۲۲}

میهمانان جشن در روز ۲۱ مهرماه به همراه رضاشاه و تنی چند از دولتمردان از بیمارستان و پرورشگاه شاهرضا که همزمان با بازسازی آرامگاه فردوسی ساخته شده و در آستانه جشن هزاره فردوسی افتتاح شده بود، بازدید کردند. بیمارستان شاهرضا به جدیدترین دستگاه‌های پزشکی موجود مجهز بود. از جمله تجهیزات این بیمارستان می‌توان به سیستم حرارت مرکزی، تجهیزات مربوط به تولید آب سرد و آب گرم، حمام‌های دوش‌دار، و دستگاه‌های مجهز رادیولوژی اشاره کرد. زیبایی معماری و گچ‌بری‌های این بنا که به قول مهندس سازنده آن زمانی بیابانی دورافتاده و "مرکز رطیل و مارهای سمی" بود از دیگر ویژگی‌های مهم این بیمارستان به شمار می‌رفت.^{۲۳} مهندس سازنده این بیمارستان کریم طاهرزاده بهزاد بود که نقشه بنای آرامگاه فردوسی را نیز با الهام از معماری دوره هخامنشی و شبیه به پاسارگاد، مقبره کورش کبیر، ترسیم کرده بود. پایان کار ساختن بیمارستان در آستانه جشن و بازدید شرق شناسان از آن بی‌شک بخشی از برنامه سیاسی دولتمردان دولت پهلوی برای نشان‌دادن پیشرفت علوم و صنایع در ایران و تلاش برای بازپروری هویت ایرانیان به عنوان "یک ملت آریائی متجدد" بود.^{۲۴}

از دیگر مکان‌های مورد بازدید میهمانان، نمایشگاه امتعه وطنی بود که در مشهد و سایر شهرهای کشور به منظور نمایش کالاهای تولید شده در داخل کشور و نشان دادن پیشرفت‌های صنعتی ایران بر پا گردیده بود. برپایی همزمان این نمایشگاه را با جشن هزاره فردوسی می‌توان از دیگر برنامه‌های سیاسی دولت پهلوی برای معرفی ایران به عنوان کشوری مدرن و پیشرفته به شمار آورد. پس از بازدید از

نمایشگاه امتعه وطنی، شرق‌شناسان مسلمان برای زیارت، به حرم مطهر امام رضا (ع) رفتند و بعد از آن تمام میهمانان برای تماشای فیلم فردوسی که توسط کمپانی امپریال فیلم بمبئی ساخته و به وسیله ارباب کیخسرو شاهرخ به ایران آورده شد بود، در سالن شیر و خورشید سرخ حاضر شدند.^{۲۵} شایان ذکر است که مهندس سازنده این سالن نیز کریم طاهرزاده بهزاد بود.

در روز ۲۲ مهرماه شرق‌شناسان از مجموعه آستان قدس رضوی از جمله کتابخانه‌ی آستان قدس بازدید کرده و پس از آن در مراسم خداحافظی که توسط نخست‌وزیر برگزار شده بود شرکت نمودند.^{۲۶} در مجموع می‌توان گفت که برنامه بازدید مستشرقین از مکان‌های مختلف در مشهد بیشتر در جهت آشنایی آنان با نمودهای پیشرفت در ایران و مشاهده امکانات پژوهشی و پزشکی موجود در کشور تدارک دیده شده بود. به علاوه، آمیختگی عناصر معماری دوره هخامنشی و اصول معماری غربی در ساختمان آرامگاه فردوسی، بیمارستان شاهرضا و سالن شیر و خورشید سرخ و بازدید شرق‌شناسان از این مکان‌ها را می‌توان تلاشی هدفمند از سوی دولت پهلوی برای ترسیم تصویری نو از ایران دانست. با نمایش آمیختگی عناصر باستانی و مدرن در معماری بناهای یاد شده، پیوند ایرانیان با تاریخ باستانی خود در کنار همگامی ایشان با پیشرفت‌های صنعتی و هنری سایر کشورها مورد تأکید قرار گرفت.

در روز ۲۳ مهرماه میهمانان به سمت تهران حرکت کردند و در مسیر بازگشت در مراسمی که به دعوت اریک اشمید (Erich Friedrich Schmid, 1897-1964)، رئیس هیأت حفاری موزه فیلاولفیا، در محل خرابه‌های ری برگزار شد، شرکت نمودند. شرق‌شناسان پس از پذیرایی در سایت حفاری ری از اشیای استخراج شده از محل

مهر ۱۳۱۳/۳ اکتبر ۱۹۳۴)، ۱. همچنین بنگرید به ابوالقاسم فردوسی، شاهنامه، به تصحیح محمد رمضانی (تهران: خاور، ۱۳۱۳).
۱۹ بنگرید به مهر (فردوسی نامه)، سال ۲، شماره ۵ و ۶ (تهران: ۱۹۳۴).
۲۰ پذیرایی مستشرقین، ایران، سال ۱۸، شماره ۴۴۸۸ (۲۹ شهریور ۱۳۱۳/۲۰ سپتامبر ۱۹۳۴)، ۱. همچنین بنگرید به "تهیه مقدمات انعقاد کنگره"، ایران، سال ۱۸، شماره ۴۴۹۶ (۸ مهر ۱۳۱۳/۳۰ سپتامبر ۱۹۳۴)، ۱.
۲۱ "پروگرام"، ایران، سال ۱۸، شماره ۴۴۹۹ (۱۱ مهر ۱۳۱۳/۳ اکتبر ۱۹۳۴)، ۱.

۲۲ "مراسم پذیرایی"، ایران، سال ۱۸، شماره ۴۵۰۶ (۱۹ مهر ۱۳۱۳/۱۱ اکتبر ۱۹۳۴)، ۲. همچنین بنگرید به "گشایش انجمن جشن هزارمین سال تولد شادروان فردوسی یا حضور عده مهمی از خاورشناسان نامی دنیا از مستشرقین که نمایندگان ۱۸ دولت میباشند"، ایران باستان، سال ۲، شماره ۳۴ (۱۵ مهر ۱۳۱۳/۷ اکتبر ۱۹۳۴)، ۲.
۲۳ "بیمارستان شاهرضا"، ایران، سال ۱۸، شماره ۴۵۰۹ (۲۳ مهر

۱۳۱۳/۱۵ اکتبر ۱۹۳۴)، ۱ و ۲.

24 Mohammad Tavakoli-Targhi, "Narrative identity in the works of Hedayat," 112.

۲۵ ح.م. "گردش مستشرقین"، ایران، سال ۱۸، شماره ۴۵۱۳ (۲۷ مهر

۱۳۱۳/۱۹ اکتبر ۱۹۳۴)، ۲.

۲۶ ح.م. "گردش مستشرقین"، ایران، سال ۱۸، شماره ۴۵۱۳ (۲۷ مهر

۱۳۱۳/۱۹ اکتبر ۱۹۳۴)، ۲. همچنین بنگرید به "پروگرام"، ایران، سال

۱۸، شماره ۴۴۹۹ (۱۱ مهر ۱۳۱۳/۱۳ اکتبر ۱۹۳۴)، ۱.

۲۷ اریک اشمید، باستان‌شناس آلمانی تبار و متخصص در باستان‌شناسی خاور نزدیک، پس از جنگ جهانی اول تحصیلات خود را در رشته باستان‌شناسی در دانشگاه کلمبیا، آمریکا به اتمام رساند. وی استاد باستان‌شناسی در انیستیتو شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو بود. مهمترین اثر وی تخت جمشید (شیکاگو: انتشارات دانشگاه شیکاگو، ۱۹۵۳) است که حاصل تحقیقات ۵ ساله وی (۱۹۳۴-۱۹۳۹ م) در محل تخت جمشید می‌باشد.



عکس یادگاری شرکت‌کنندگان کنگره هزاره فردوسی در مقابل تالار دارالفنون، تهران

حفاری بازدید کردند. پس از بازگشت به تهران به جز عده‌ای که برای سیاحت در ایران به شهرهایی چون شیراز و اصفهان رفتند، بقیه در تاریخ ۲۷ مهر به کرمانشاه و یا بندر پهلوی رفتند و از آنجا به کشورهای خود بازگشتند.^{۲۸}

در طول این مدت هر روز از عصر تا شب در سراسر کشور مراسم جشن و آتش‌بازی بر پا بود. خیابان‌ها و میدان‌ها تزئین و چراغانی شده و مردم در خیابان‌ها شاهد نمایش قسمت‌های مختلف شاهنامه، اسب دوانی، و ورزش‌های زورخانه‌ای بودند. در تبریز نمایشی درباره شرح حال فردوسی و سرودن شاهنامه به نفع سیل زدگان اجرا شد.^{۲۹} در ساری تئاتر "رستاخیز فردوسی" در ۲۱ مهرماه به نمایش گذاشته شد.^{۳۰} در تهران تئاتر مینژه و بیژن به افتخار جشن هزاره فردوسی در ماه آبان نمایش داده شد.^{۳۱} در مهرماه ۱۳۱۳ که جشن فردوسی به طور رسمی در کشور برگزار می‌شد، مردم هر شب در خیابان‌ها جمع می‌شدند، به هلهله می‌پرداختند و فریاد "زنده باد رضاشاه" سر می‌دادند.^{۳۲} تحریک عواطف ملی ایرانیان و ترویج فرهنگ شاه دوستی در میان آنها را نیز می‌توان از جمله نمودهای فراخوان بازگشت به عصر طلایی ایران باستان به شمار آورد. بی تردید، می‌توان هدف اصلی برگزاری جشن هزاره فردوسی در خیابان‌های شهرهای مختلف را شرکت دادن مردم در اجرای برنامه‌های سیاسی فرهنگی دولت

ردیف اول (نشسته): حیدرعلی کمالی (ترکیه)، محمدتقی بهار، هانری ماسه (فرانسه)، عباس اقبال، عیسی صدیق، محمد آقاوغلو (آمریکا)، فرانکلین گونتر (آمریکا)، سباستیان بک (آلمان)

ردیف دوم: جان درینکواتر (انگلستان)، عبدالوهاب عزام (مصر)، ژرژ کونتو (فرانسه)، ابراهیم حکیمی، یوگنی برتلس (شوروی)، سفیر شوروی، حسن اسفندیاری، محمدعلی فروغی، خانم گدار، دستور نوشیروان (هند)، آرتور کریستنسن (دانمارک)، فریدریش زاره (آلمان)، عبدالحسین شیبانی، حسن پیرنیا.

ردیف سوم: مجتبی مینوی، ولی‌الله نصر، مهدی دیبا، حسن وحید دستگردی، میرزا یانس، بدیع‌الزمان فروزانفر، سعید نفیسی، جمیل صدقی زهاوی (عراق)، صادق رضازاده شفق، محمد فؤاد کوپرولو (ترکیه)، ابوالقاسم اعتصام‌زاده، محمد نظام‌الدین، ادوارد دینسن راس، آشینکاگا آنسوچی (ژاپن)، زین‌العابدین رهنما، آ.آ. پولوتینکوف (شوروی)، محمدطاهر رضوی (هند)، غلامرضا رشید یاسمی.

ردیف چهارم: مایل تویسرکانی، احمد حامد صراف (عراق)، علی‌اصغر حکمت، یان رییکا (چکسلواکی)، نصرالله فلسفی، محمد عشاق (هند)، آلکساندر فرایمان (شوروی)، هادی حسن (هند)، عبدالعظیم قریب، علی نهاد بی (ترکیه)، شیخ‌الملک اورنگ، احمد بهمنیار، رحیم‌زاده صفوی.

ردیف پنجم: ژوزف هاکن (فرانسه)، جلال همایی، پوری مار (شوروی)، علی قویم، آلکساندر روماسکوویچ (شوروی)، یوزف اوربلی (شوروی)، جمشیدجی اونوالا (هند)

ردیف ششم: بهرام‌گور آنکلساریا (هند)، احمد کسروی، نصرالله تقوی، ولادیمیر مینورسکی (انگلستان)، عبدالحمید عبادی (مصر)، آنتونیو پاگلیارو (ایتالیا)، ملک کرم، ارنست کوهنل (آلمان)، عباس خلیلی، علی جواهرکلام، ال.آ. مایر (فلسطین).

منتشر گردانید، شکایت از وضعیت بد آرامگاه فردوسی و تصمیم به بنای ساختمان آرامگاه در عهد ناصرالدین شاه نیز مسئله‌ای مهم تلقی می‌شد. بر اساس این دو سند، آصف‌الدوله شیرازی، حاکم خراسان، در عریضه‌ی خود به ناصرالدین شاه و همچنین در نامه‌اش به محمودخان ملک الشعرا به قصد خود برای ساخت آرامگاهی برای فردوسی اشاره می‌کند. عمادالسلطنه، شاهزاده قاجار نیز که در سفری به مشهد، از توس دیدن کرده بود، در قسمتی از خاطرات خود به تاریخ ۱۴ ذی قعدة ۱۳۱۰ ق، از وضع نامناسب آرامگاه خبر می‌دهد و از حکام خراسان برای عدم بازسازی مقبره فردوسی انتقاد می‌نماید.^{۳۳} محمد تقی بهار نیز در مقاله‌ای که در سال ۱۳۰۲ در یکی از شماره‌های نوبهار به چاپ رسانید از وضعیت نابسامان آرامگاه فردوسی شکایت کرده، چنین نوشت:

”شهر توس که آخرین جایگاه فردوسی بوده است اکنون خراب و عبارت از یک صحرائی است که در آن زراعت کرده و گاهی صدای نی لبک چوپان و بع بع گوسفندان بره‌دار از آن وادی شنیده می‌شود. فقط یک برج آجری یک بدنه دیوار خراب یک مسجد ویرانه و یک سکوی بی‌سقف و حیاط به نامه قبر فردوسی در آن پهن وادی اینجا و آنجا به نظر می‌رسد که مأوای جغد و موش و پناهگاه روباه و خرگوش است... آیا دولتی که در سال چندین هزار تومان در بهای روشنایی مقابر صرف می‌کند نمی‌تواند چند هزار تومان به مصرف عمارات مقبره این پدر احیا کننده وطن برساند؟“^{۳۴}

از سال ۱۳۰۴ در راستای اقدامات انجمن آثار ملی برای پاسداشت عظمت ایران باستان، کار ساختن آرامگاه فردوسی آغاز و به طور جدی پیگیری شد. اولین مشکلی که بر سر راه ساختن آرامگاه فردوسی قرار داشت، مجهول بودن محل دفن فردوسی بود زیرا چنان که نظامی عروضی در کتاب چهار مقاله اشاره کرده است در هنگام دفن فردوسی، پیشوای مذهبی طابران که فردی متعصب بود، فردوسی را رافضی خواند و از دفن او در گورستان شهر جلوگیری کرد. در نتیجه بنا بر گفته نظامی ”درون

پهلوی دانست. ابعاد برنامه فرهنگی سیاسی دولت برای ”بازیابی حافظه ملی“ به حدی گسترده بود که حتی دانش آموزان مدارس را نیز در شمار افراد شرکت کننده در جشن هزاره فردوسی قرار می‌داد. در دبیرستان‌ها مراسم جشن فردوسی با اجرای سرود و حرکات ورزشی برگزار شد. در برخی از بخشنامه‌های وزارت معارف حضور دانش آموزان در کنفرانس‌های راجع به فردوسی الزامی اعلام شده بود. بر اساس این بخشنامه‌ها دانش‌آموزان موظف بودند که سرودهایی درباره فردوسی و شاهنامه در حضور نمایندگان کشورهای مختلف اجرا کنند و یا قسمت‌هایی از شاهنامه را برای آنان بخوانند. به علاوه معلمان وظیفه داشتند که به زبانی ساده اهمیت و نقش فردوسی را در حفظ زبان و تاریخ ایران به دانش‌آموزان تفهیم کنند.^{۳۳}

به مناسبت جشن هزاره فردوسی میان دولت‌های مختلف جهان و دولت ایران تلگراف‌های زیادی رد و بدل شد، که مضمون اصلی آنها تبریک جشن ولادت فردوسی به مقامات رسمی ایران از سوی برخی کشورها و تشکر دولتمردان ایرانی از اقدامات این کشورها در جهت برگزاری جشن فردوسی و تحکیم روابط طرفین بود. به عنوان مثال، در تلگراف تبریکی که در تاریخ ۱۷ مهر ۱۳۱۳ از شوروی خطاب به محمد علی فروغی فرستاده شد و همچنین در پاسخ فروغی به این تلگراف، بر تأثیرگذاری جشن هزاره فردوسی بر ”تحکیم روابط معنوی“ دو کشور تأکید شده است.^{۳۴} موسولینی نیز در تلگراف تبریک خود به محمد علی فروغی، شرکت ایتالیا در جشن هزاره فردوسی را مایه ”ازدیاد روابط معنوی بین دو مملکت“ که از قبل ”روابط دوستانه خلل ناپذیری“ با هم داشتند، دانست.^{۳۵}

۳. آرامگاه فردوسی

ساختن آرامگاهی درخور عظمت فردوسی یکی از مهمترین اقدامات انجمن آثار ملی برای برگزاری جشن هزار ساله فردوسی بود. بر اساس دو سند مربوط به دوره قاجار که مرحوم ایرج افشار در سال ۱۳۸۷ در فصلنامه فرهنگ مردم

^{۳۳} صدور متحدالمال، ایران، سال ۱۸، شماره ۴۵۰۰ (۱۲ مهر ۱۳۱۳/ ۴ اکتبر ۱۹۳۴)، ۱. همچنین بنگرید به ”روزشمار تاریخ به روایت اسناد ملی“، سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی جمهوری اسلامی ایران (۱۳ مهر ۱۳۱۳).
<http://www.nlai.ir/images/ganjineh/calendar/Large.0713-1/jpg>
^{۳۴} تلگرافات واصله از روسیه به مناسبت جشن فردوسی، ایران، سال ۱۸، شماره ۴۵۰۱ (۱۳ مهر ۱۳۱۳/ ۵ اکتبر ۱۹۳۴)، ۳.
^{۳۵} ترجمه تلگراف واصله از روم راجع به جشن هزارمین سال فردوسی، ایران، شماره ۴۵۲۳ (۹ آبان ۱۳۱۳/ ۳۱ اکتبر ۱۹۳۴)، ۱.
^{۳۶} ایرج افشار، ”چند نوشته در باره مزار فردوسی در دوره قاجار“، فرهنگ و مردم، سال ۷، شماره ۲۴ و ۲۵ (بهار ۱۳۸۷)، ۱۲۴، ۱۲۲.
^{۳۷} به نقل از محمد تقی بهار، ”قبر فردوسی“، فردوسی نامه، ۱۰-۱۱.

^{۳۸} پذیرایی از مستشرقین، ایران، سال ۱۸، شماره ۴۵۱۳ (۲۷ مهر ۱۳۱۳/ ۱۹ اکتبر ۱۹۳۴)، ۱. همچنین بنگرید به ”پروگرام“، ایران، سال ۱۸، شماره ۴۴۹۹ (۱۱ مهر ۱۳۱۳/ ۳ اکتبر ۱۹۳۴)، ۱.
^{۳۹} اخبار تلگرافی داخله ایران- تبریز، ایران، سال ۱۸، شماره ۴۵۰۹ (۲۳ مهر ۱۳۱۳/ ۱۵ اکتبر ۱۹۳۴)، ۱.
^{۴۰} جشن فردوسی در ساری، ایران، سال ۱۸، شماره ۴۵۰۹ (۲۳ مهر ۱۳۱۳/ ۱۵ اکتبر ۱۹۳۴)، ۲.
^{۴۱} منیژه و بیژن، ایران، سال ۱۸، شماره ۴۵۲۸ (۱۵ آبان ۱۳۱۳/ ۶ نوامبر ۱۹۳۴)، ۱.
^{۴۲} برای نمونه بنگرید به ”اخبار تلگرافی داخله“، ایران، سال ۱۸، شماره ۴۵۰۳ (۱۶ مهر ۱۳۱۳/ ۱۸ اکتبر ۱۹۳۴)، ۲.



طرح آرامگاه فردوسی، طراحی میرزا کریم‌خان طاهرزاده بهزاد، معمار ایرانی، نشریه ایران‌شهر، سال ۳، شماره ۱۰ (۱ شهریور ۱۳۰۴)

بازسازی آرامگاه به دست نمی آمد، مجلس با تصویب لایحه وزارت دارایی مبنی بر چاپ و انتشار تمبری به نام فردوسی و استفاده از در آمد آن برای بازسازی آرامگاه موافقت کرد. در نقشه پیشنهادی مهندس کریم طاهرزاده بهزاد، که تحصیلات خود را در رشته معماری در برلین به اتمام رسانده بود، بنا بود اسامی افرادی که با کمک‌های مالی خود به پیشبرد پروژه یاری رسانده بودند در اطراف آرامگاه بر روی سنگ و یا آهن حک شود. این طرح که ترکیبی از عناصر برگرفته از معماری ایران باستان و بنائی گنبدی شکل، شبیه به آرامگاه کنونی حافظ بود،^{۳۸} تغییر یافت و نقشه دیگری توسط پروفیسور هرتسفلد تهیه شد.^{۳۹} در تاریخ ۵ تیر ۱۳۰۶ ش. (۲۷ ژوئن ۱۹۲۷ م.) در نشست صد و بیست و یکم مجلس ششم، ارباب کیخسرو شاهرخ، نماینده زرتشتیان در مجلس، به لزوم اختصاص بودجه از طرف مجلس برای ساختن آرامگاه فردوسی اشاره کرده و این کار را نشانگر "قدردانی از زحمات بی دریغ فردوسی برای حفظ هویت، زبان و اصول و مبادی ملی‌گرایی در ایران دانست. وی توانست با تحریک عواطف ملی نمایندگان، طرح پیشنهادی خود را در مجلس به تصویب برساند.^{۴۱} هزینه ساختن آرامگاه بر اساس نقشه هرتسفلد ۲۵۰۰۰ تومان تخمین

دروازه باغی بود ملک فردوسی، او را در آن باغ دفن کردند.^{۳۸} ارباب کیخسرو شاهرخ که در نشست صد و بیست و پنجم مجلس ششم به تاریخ ۷ تیر ۱۳۰۶ ش. (۲۹ ژوئن ۱۹۲۷ م.) از سوی مجلس به عنوان ناظر مخارج پروژه ساختن آرامگاه فردوسی انتخاب شده بود، در مصاحبه خود با خبرنگار روزنامه ایران اظهار داشت که او و عده‌ای دیگر بر اساس کتب و اسناد تاریخی محل آرامگاه فردوسی را که به طور قطع مشخص نبود، در باغی که بعداً مقبره فردوسی در آن ساخته شد، پیدا کردند. در خلال جستجوی قبر فردوسی در باغ مذکور، ارباب کیخسرو و همراهانش، پس از کشف یک سکو که در اطراف آن قبرهای کوچک قرار داشت و بعد از پرس و جو از افراد مسن ساکن منطقه، در یافتند که مزار فردوسی در زیر سکوی مذکور قرار دارد. پس از شکافتن این سکو با کلنگ و یافتن آرامگاه فردوسی، حاج قائم مقام التولیه، صاحب باغ، این ملک را به رضاشاه تقدیم کرده و رضاشاه نیز با دست خط خود باغ را برای ساختن آرامگاه فردوسی به انجمن آثار ملی هدیه داد. در ابتدا دولت قصد داشت که برای ساختن آرامگاه از کمک‌های مالی اشراف و ثروتمندان استفاده کند. اما به هر حال، چون از این طریق مبلغ قابل توجهی برای

rokh, ed. and trans. Shahrokh Shahrokh and Rashna Writer (Lewiston, New York: The Edwin Mellen Press, 1994), 148-149.

^{۳۸} Keikhosrow Shahrokh, *The Memoirs of Keikhosrow Shahrokh*, 147-148.

^{۳۹} حسین لرزاده فرزند محمد لرزاده، از معماران دوره قاجار، از کودکی تحت تعلیم حرفه‌ای برای انجام کارهای معماری قرار گرفت. وی پس از تحصیل حساب، هندسه و رسم فنی، به مدرسه کمال‌الملک رفت

^{۳۸} حمد بن عمر بن علی نظامی عروضی سمرقندی، چهار مقاله، تصحیح محمد قزوینی (تهران: زوار، ۱۳۸۵)، ۸۳.
^{۳۹} صنایع ظریفه - قبر فردوسی، ایران‌شهر، سال ۳، شماره ۱۰ (۱ شهریور ۱۳۰۴، ۲۳ اوت ۱۹۲۵)، ۶۰۸-۶۱۳.

^{۴۰} آرامگاه فردوسی، ایران، سال ۱۸، شماره ۴۵۱۰ (۲۴ مهر ۱۳۱۳/۱۶ اکتبر ۱۹۳۴)، ۱. درباره انتخاب ارباب کیخسرو شاهرخ از سوی مجلس به عنوان ناظر پروژه بازسازی آرامگاه فردوسی، بنگرید به: Keikhosrow Shahrokh, *The Memoirs of Keikhosrow Shah-*



نطق محمدعلی فروغی در مراسم گشایش جویز بلیط‌های بخت‌آزمایی، ارباب کیخسرو شاهرخ در سمت راست ایشان ایستاده است.

بلیت بخت‌آزمایی کرد و شرکت در این بخت‌آزمایی را یک وظیفه ملی و "شأنگر قدردانی ملت" از فردوسی اعلام نمود.^{۴۴} شرکت در بخت‌آزمایی و به پایان رساندن بنای آرامگاه فردوسی مقدمه و لازمه برگزاری جشن هزاره فردوسی به شمار می‌رفت. ساختن بنائی زیبا بر مزار فردوسی، برای حفظ آبرو و عظمت ایرانیان در مقابل نمایندگان کشورهای دنیا که برای شرکت در جشن هزار ساله او به ایران می‌آمدند، امری کاملاً ضروری بود.^{۴۵} به همین دلیل انجمن آثار ملی با تحریک حسن وطن‌پرستی ایرانیان، آنان را به خرید بلیت‌های بخت‌آزمایی به منظور تکمیل آرامگاه حماسه سرای ملی فراخواند که کاخ سخنش پس از هزار سال همچنان استوار باقی مانده بود. این گونه تحریک عواطف میهن پرستانه مردم، در بروشورها و آگهی‌های چاپ شده در نشریات کاملاً مشهود است. به عنوان نمونه، در آگهی فراخوان مردم به شرکت در بخت‌آزمایی فردوسی که در برخی از روزنامه‌ها نیز به چاپ رسید، تصویر آرامگاه فردوسی با نشان فروهر در بالای ورودی بنا ترسیم گشته و در پایین آرامگاه نقش سیمرخ که شاهنامه را در منقار خود نگاه داشته و پرواز می‌کند طراحی شده است. فضای اطراف تصویر آرامگاه را ابیات زیر از شاهنامه پر کرده است:

زده شده بود، که پس از تصویب طرح پیشنهادی ارباب شاهرخ ۵۰۰۰ تومان آن از محل جمع‌آوری کمک‌های مالی و بقیه آن از محل صرفه‌جویی بودجه مجلس شورای ملی تهیه شد. اما به دلیل کج شدن قسمت پایینی ساختمان در طی ساخت، نقشه دیگری توسط آندره گدار (André Godard, 1881-1965)، باستان‌شناس و مهندس معمار فرانسوی، ترسیم گردید. پس از ساخته شدن ۴ متر از پایین آرامگاه که قسمت زیر کتیبه را تشکیل می‌داد، این طرح نیز مناسب به نظر نرسید و ترسیم نقشه نهایی آرامگاه دوباره به مهندس طاهرزاده بهزاد محوّل شد. حسین لرزاده (۱۲۸۵-۱۳۸۳ ش.)^{۴۶} به عنوان معمار آرامگاه از تهران به مشهد اعزام و آرامگاه با مباشرت تقی درویدیان ساخته شد. کار تراشیدن و حکاکی سنگ‌های بنای آرامگاه نیز به حسین حجارباشی زنجان‌ی واکذار گردید. برای ساختن آرامگاه بر اساس این طرح مبلغ ۱۰۰۰۰ تومان دیگر از محل صرفه‌جویی‌های مجلس به این پروژه اختصاص یافت.^{۴۷}

اگر چه ساختن آرامگاه بر اساس نقشه طاهرزاده بهزاد مقرون به صرفه‌تر بود، اما به دلیل کسری بودجه، دولت با همکاری بانک ملی اقدام به چاپ و انتشار ۱۶۰۰۰۰

اکتبر ۱۹۳۴)، ۱. همچنین بنگرید به منصور رستگار فسایی، علی اصغر حکمت شیرازی (تهران: طرح نو، ۲۰۰۶)، ۱۹۵-۱۹۸.
^{۴۴} "بخت‌آزمایی فردوسی"، ایران باستان، ویراستار. عبدالرحمن سیف آزاد، سال ۱، شماره ۴۷ (۱۳۱۲/۱۹۳۳)، ۹.
^{۴۵} دعوت انجمن آثار ملی برای تکمیل آرامگاه فردوسی در طوس و جشن هزاره او، "ایران باستان، ویراستار. شیخ عبدالرحمن سیف آزاد، سال ۲، شماره ۱ (۲۷ دی ۱۳۱۲/۱۷ ژانویه ۱۹۳۴)، ۹.

و در آنجا هنر مجسمه سازی را آموخت. لرزاده پس از مرگ پدرش در سال ۱۳۰۵ به دعوت استاد جعفرخان کاشانی به شاگردی وی مشغول شد. او در طی عمر طولانی خود علاوه بر معماری آرامگاه فردوسی، طراحی و ساختن بناها و مساجد بسیاری را بر عهده گرفت که از جمله آنها می‌توان به گنبد و قسمت‌هایی از تزیینات کاخ مرمر، بخش‌هایی از مجموعه سعدآباد، شبستان مسجد سپهسالار و مسجد اعظم قم اشاره کرد.
^{۴۷} "آرامگاه فردوسی"، ایران، سال ۱۸، شماره ۴۵۱۰ (۲۴ مهر ۱۳۱۳/۱۶

بسی رنج بردم در این سال سی
عجم زنده کردم بدین پارسی
جهان از سخن کردهام چون بهشت
از این پیش تخم سخن کس نکشت
بناهای آباد گردد خراب
ز باران و از تابش آفتاب
پی افکندم از نظم کاخی بلند
که از باد و باران نیابد گزند
هر آنکس که دارد هش و رای و دین
پس از مرگ بر من کند آفرین
نمیرم از این پس که من زنده‌ام
که تخم سخن را پراکنده‌ام

در زیر آگهی، انجمن آثار ملی از تمام ایرانیان دعوت کرده است که "به پاس خدمات زنده کننده زبان پارسی" و به منظور تکمیل آرامگاه وی و برگزاری جشن هزار ساله او در بخت آزمایی فردوسی شرکت کنند.^{۴۶} تبلیغات زیادی حول بخت آزمایی برای بازسازی آرامگاه فردوسی صورت گرفت. عده زیادی از مردم به دعوت انجمن آثار ملی پاسخ مثبت دادند و بلیت‌ها به سرعت به فروش رسید. این بخت‌آزمایی در تیرماه ۱۳۱۳ در نهایت دقت و نظم و در حضور نمایندگان بانک ملی و مسئولین حکومتی برگزار شد.^{۴۷} کار ساختن آرامگاه پیش از آغاز جشن هزاره فردوسی و ورود شرق‌شناسان به ایران به پایان رسید. آرامگاه فردوسی در بعد از ظهر روز ۲۰ مهرماه ۱۳۱۳ در حضور مستشرقین، دست‌اندرکاران ساختن آرامگاه، نخست وزیر، وزیر داخله، کفیل وزارت معارف، و برخی دیگر از مسئولین مملکتی توسط رضاشاه افتتاح شد. رضاشاه پس از ورود به آنگاه فردوسی و سلام و احوالپرسی با شرق‌شناسان و میهمانان خارجی، پشت میزی که در جلوی آرامگاه برای سخنرانی وی قرار داده شده بود، ایستاد و خرسندی خود را از پایان کار ساختن آرامگاه فردوسی اعلام نمود. وی این امر را نشانه قدردانی ایرانیان نسبت به فردوسی، احیاگر زبان و تاریخ ایران، دانست. پس از پایان سخنرانی، ارباب کیخسرو قیچی طلایی را که در یک سینی ظریف

⁴⁶Afshin Marashi, *Nationalizing Iran*, 125-126.

⁴⁷"بخت آزمایی فردوسی"، ایران باستان، ویراستار: شیخ‌عبد الرحمن سیف آزاد، سال ۲، شماره ۲۲ (۹ تیر ۱۳۱۳ / ۳۰ ژوئن ۱۹۳۴)، ۱۱. همچنین بنگرید به "طرز کشیدن قرعه بخت‌آزمایی فردوسی"، ایران باستان، ویراستار: شیخ‌عبد الرحمن سیف آزاد، سال ۲، شماره ۱۹ (۱۹ خرداد ۱۳۱۳ / ۹ ژوئن ۱۹۳۴)، ۱۱.





عکس هوایی آرامگاه فردوسی، توس، ۲۱ سپتامبر ۱۹۷۷
(عکس: گئورگ گشتنر-مشیح: کتاب بهشت گمشده، ۲۰۰۹)

سنگی قرار داشت به شاه تقدیم کرد و نوار سه رنگ گردگرد آرامگاه به دست رضاشاه و با تشویق شرکت کنندگان بریده شد. پس از آن رضاشاه و جمعی از همراهان وی از درون آرامگاه بازدید کردند. حسین حجارباشی نیز به دلیل حجاری هنرمندانه بنا مورد قدردانی شاه و همراهان وی قرار گرفت. پس از گردش مختصری در محوطه آرامگاه و شنیدن قطعاتی که ملک الشعرا بهار و محمد حسین میرزا نادری معروف به امیر الشعرا نادری (۱۲۶۰-۱۳۱۸ ش.) به مناسبت جشن فردوسی سروده بودند، شاه و همراهان وی مکان را ترک کرده و به مشهد بازگشتند.^{۴۸}

۴. کنگره هزاره فردوسی

کنگره هزاره فردوسی در تهران در فاصله ۱۲ تا ۱۶ مهر ۱۳۱۳ (چهارم تا هشتم اکتبر ۱۹۳۴) در تالار بزرگ مدرسه دارالفنون که به تازگی بازسازی شده بود، برگزار شد. دست‌اندرکاران جشن هزاره فردوسی از چند روز قبل از افتتاح کنگره درگیر تزئین سالن بزرگ دارالفنون و نصب مجسمه فردوسی در آن بودند. به علاوه، گزیده ابیات شاهنامه و اشعار و مطالب مربوط به فردوسی به همراه عکسی از مجسمه وی برای توزیع در میان شرکت کنندگان جلسه آماده شده بود.^{۴۹} چنان که در مقدمه اشاره شد، کنگره هزاره فردوسی

نخستین کنگره بزرگ بین‌المللی برگزار شده در ایران بود که فرصتی برای اجتماع فرهیختگان و دانشمندان کشورهای مختلف و بحث و تبادل نظر راجع به ایران، تمدن کهن آن و فردوسی، حماسه سرای بزرگ ایرانی، فراهم نمود. در این کنگره بیش از ۸۰ نفر از نمایندگان و شرق‌شناسان ۱۸ کشور مختلف شرکت کردند. قریب به نیمی از این اندیشمندان، شرق‌شناسان و ادیبان سایر کشورها بودند. در میان آنها، شخصیت‌های برجسته‌ای چون هانری ماسه (Henri Massé, 1886-1969)،^{۵۰} آرتور کریستنسن (Arthur Christensen, 1875-1945)،^{۵۱} یان ریپکا (Jan Rypka, 1886-1968)^{۵۲} و بهرام گور انکلساریا (Bahram Gür Anklesaria 1873-1944)^{۵۳}

حضور داشته و در کنگره فردوسی سخنرانی کردند.

کنگره در ساعت ۹:۳۰ صبح روز ۱۲ مهر با خوش‌آمدگویی محمد علی فروغی و علی اصغر حکمت آغاز شد و در هفت نشست در طی پنج روز برگزار گردید.^{۵۴} شرکت‌کنندگان در جلسه، هیات ریسه هر نشست را انتخاب کردند و به ترتیب سخنرانی‌های خود را ارائه نمودند. کنگره هر روز از صبح شروع به کار می‌کرد و تا بعد از ظهر ادامه داشت و سرانجام با سخنرانی علی اصغر حکمت به زبان انگلیسی و تشکر وی از خدمات دانشمندان کشورهای مختلف در جهت شناخت هر چه بهتر فردوسی خاتمه یافت.

^{۴۸} «مراسم افتتاح آرامگاه فردوسی»، ایران، سال ۱۸، شماره ۴۵۱۱ (۲۵ مهر ۱۳۱۳/۱۷ اکتبر ۱۹۳۴)، (۱). همچنین بنگرید به «مراسم افتتاح»، ایران، سال ۱۸، شماره ۴۵۰۸ (۲۲ مهر ۱۳۱۳/۱۴ اکتبر ۱۹۳۴)، ۱.

^{۴۹} «ورود مستشرقین»، ایران، سال ۱۸، شماره ۴۴۹۹ (۱۱ مهر ۱۳۱۳/۳ اکتبر ۱۹۳۴)، ۲.

^{۵۰} هانری ماسه، شرق‌شناس فرانسوی نگارنده آثار برجسته زیادی در زمینه ادبیات فارسی بود. پایان نامه دکترای وی درباره سعدی و زندگی او از نخستین تحلیل‌های مدرن بر زندگی، اندیشه و شعر سعدی به شمار می‌رود. وی در ابتدا به تدریس زبان فارسی و عربی در دانشکده هنرهای الجزایر پرداخت و در زمان کنگره هزاره فردوسی در مدرسه ملی السنه شرقی پاریس به تدریس مشغول بود. از جمله آثار او می‌توان از اسلام (پاریس: ا. کلین، ۱۹۳۰)، فردوسی و حماسه ملی (پاریس: پرین، ۱۹۳۵) و گلچین ادبی فارسی از قرن ۱۱ تا ۱۹ (پاریس: پایو، ۱۹۵۰) نام برد.

^{۵۱} آرتور کریستنسن، شرق‌شناس بزرگ دانمارکی و متخصص در زبان‌شناسی فارسی بود. وی پس از اخذ مدرک دکترای خود از سال ۱۹۰۳ تا ۱۹۱۹ به حرفه روزنامه‌نگاری مشغول بود و بیشتر مقالات خود را در زمینه سیاست خارجی نوشت. در سال ۱۹۱۹ به تدریس واژه‌شناسی تاریخی و تطبیقی فارسی در دانشگاه کونپهاگ پرداخت و پس از چندی به سمت ریاست بخش واژه‌شناسی و مطالعات فولکلور در همان دانشگاه نائل شد و تا پایان عمر در همان سمت باقی ماند. از مهمترین آثار او می‌توان به بررسی انتقادی رباعیات خیام (کونپهاگ: هوست (Høst), ۱۹۲۷)، که بر اساس پایان‌نامه دکترای وی نوشته شده بود، فصل اول و نودیاد و تاریخ اولیه قبایل ایرانی (کونپهاگ: ای. مونکسگارد، ۱۹۴۳) به زبان فرانسه، و ایران تحت حکومت ساسانیان

(کونپهاگ: ای. مونکسگارد، ۱۹۴۴) اشاره کرد.

Jes P. Asmussen, "Christensen, Arthur Emanuel," *Encyclopaedia Iranica*, Online Edition (December 15, 1991), available at <http://www.iranicaonline.org/articles/christensen-arthur-emanuel-b>

^{۵۲} یان ریپکا، شرق‌شناس اهل چکسلواکی، پس از اتمام تحصیلات خود در وین و استامبول در دانشگاه پراگ به تدریس زبان و ادبیات ترکی و فارسی مشغول شد. وی از بنیان اصلی تأسیس انستیتوی شرق‌شناسی در شهر پراگ بود. از جمله آثار او می‌توان به تاریخ ادبیات ایران (1968) (Dordrecht Reidel) و اثر مشترک وی با هلموت ریتر (Hellmut Ritter) تحت عنوان هفت‌پیگر، منظومه‌رمانتیک نظامی گنجوی (Praha: Orientální ústav, Paris: Leipzig, 1934) اشاره کرد.

^{۵۳} بهرام گور انکلساریا، که به عنوان نماینده پارسیان هند در کنگره هزاره فردوسی شرکت کرد، در بعبه متولد شد و پس از اخذ مدرک فوق لیسانس در زبان‌های پهلوی و اوستایی در دانشگاه بمبئی، به تدریس در همین دانشگاه پرداخت. وی در طول حیات علمی خود بسیاری از آثار چاپ‌نشده پدرش، تهمورت دینشاه را منتشر کرد. بسیاری از آثار بهرام گور انکلساریا پس از مرگ وی به چاپ رسیده است. از مهمترین آثار وی که در زمان حیات او منتشر شد، می‌توان به متون پهلوی، حاوی دست‌خط‌های قدیمی نسخه‌برداری شده در سال ۱۳۲۲ میلادی (بمبئی: انتشارات فرانت پرنیت، ۱۸۹۷) و زند و هومن یسن و دو قطعه پهلوی (بمبئی: ۱۹۱۹) اشاره کرد.

K.M. Jamaspa ; M. Boyce, "Anklesaria, Bahramgore Tahmuras," *Encyclopaedia Iranica*, Vol. 2 (December 15, 1985), 96.

^{۵۴} «افتتاح اولین جلسه کنگره مستشرقین به مناسبت جشن هزار ساله فردوسی - کنگره جشن فردوسی»، ایران، سال ۱۸، شماره ۴۵۰۱ (۱۳ مهر ۱۳۱۳/۵ اکتبر ۱۹۳۴)، ۱.

وی دعوت برای احیای گذشته ایران پیش از اسلام را هدف اصلی کنگره دانسته و چنین اظهار داشت: "مساعی که در این ایام برای تجلیل فردوسی و تجدید عهد شاهنامه به کار می‌بریم برای آن است که آن روزگار گذشته را برگردانیم...".^{۶۵} فروغی شاهنامه را "قباله و سند نجابت ملت ایران"^{۶۶} نامید و توضیح داد که آمیختگی شاهنامه با افسانه‌ها و اسطوره‌ها دلیلی گویا بر قدمت فرهنگ و تمدن ایرانی است. به عقیده او باور به شاهان و قهرمانان شاهنامه نشانهٔ ایرانیت یک فرد و "مایه اتحاد قومیت و ملیت"^{۶۷} ایرانی است. فروغی سخنرانی خود را با بیان برخی از نقاط ضعف و قوت شاهنامه به پایان برد.

میهن‌پرستی و پارسی‌گویی فردوسی و تلاش او برای احیای زبان فارسی در سخنرانی پروفیسور ژرژ مار^{۶۸} شرق شناس شوروی، به شیوه ای متفاوت مورد تأکید قرار گرفت. وی در سخنرانی خود بر لزوم کاوش در تاریخ کهن ایران تأکید ورزید. مار بحث خود را با بیت "بسی رنج بردم در این سال سی / عجم زنده کردم بدین پارسی" آغاز کرده، ضمن تأکید بر نقش فردوسی در حفظ زبان فارسی و تاریخ ایران، شاهنامه را بر همین اساس اثری جاویدان معرفی نمود. پروفیسور مار دربارهٔ جاودانگی شاهنامه اظهار کرد که "این کتاب تا زبان فارسی وجود دارد یعنی به عبارت اخری تا زمانی که این عالم بر پاست باقی و راهنمای شعرا و نویسندگان خواهد بود."^{۶۹} وی یکی از دلایل جاودانگی شاهنامه را وزن شعری این کتاب دانست. ژرژ مار با ردّ دلایل موجود در کتاب های مربوط به عروض از جمله المعجم فی معایر الاشعار العجم که واضع بحر متقارب را خلیل بن احمد می‌داند و معتقدند این فرد ایرانی تبار بحر متقارب را با الهام از اوزان عربی وضع کرده، نتیجه می‌گیرد که بحر متقارب، که فردوسی از آن در سرودن شاهنامه استفاده کرده است، یک بحر "کاملاً ملی" است و ریشه‌های آن را باید در ادبیات شفاهی و فهلویات جستجو کرد.^{۷۰} به عقیده وی صورت‌های ابتدائی‌تر این بحر را می‌توان در شعر هجایی پیش از اسلام یافت. پروفیسور مار در نطق خود اظهار کرد که انتخاب وزنی عربی برای شاهنامه توسط شاعری که تا حد امکان از به کار بردن کلمات عربی در منظومهٔ خود پرهیز کرده دور از ذهن است. وی گفت: "سهل است فرض کنیم برای تألیفی که آن زمان حائز اهمیت ملی بود فردوسی یک وزن بومی و خودی که از ایامی قدیم دارای جنبهٔ ملی بود اتخاذ کرده است."^{۷۱} به اعتقاد او "استقلال ایرانیان دربارهٔ صنعت شعری عبارت از آن بود که شعر هجایی خود



جنگ رستم با افراسیاب، (دوره تیموری)، موزه فیتزویلیام، کمبریج

با نگاهی اجمالی به سخنرانی‌های ارائه شده در کنگرهٔ هزارهٔ فردوسی می‌توان فهمید که اغلب این سخنرانی‌ها در راستای برنامه‌های سیاسی و فرهنگی دولت پهلوی، حاوی مضامین وطن پرستانه و مسائل زبانی و نژادی بود و حتی در سخنرانی‌هایی که به طور مستقیم با اینگونه مسائل ارتباط نداشت، وطن پرستی فردوسی مورد تقدیر قرار گرفت.

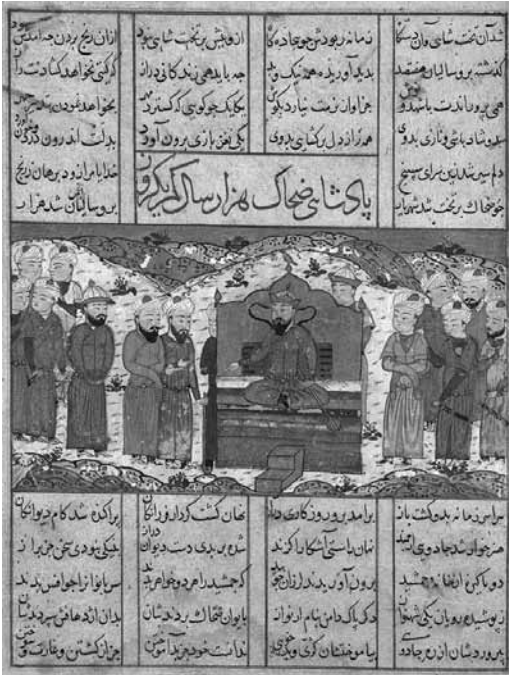
دعوت برای بازگشت به عصر طلایی پیش از اسلام و تأکید بر حفظ پاکی زبان فارسی دو مضمون برجسته سخنرانی نخستین سخنران مجلس، محمد علی فروغی (۱۹۴۲-۱۹۷۶ م. / ۱۲۵۴-۱۳۲۱ ش.)، نخست وزیر وقت و رئیس انجمن آثار ملی بود. وی در سخنرانی خود با عنوان "مقام فردوسی و اهمیت شاهنامه" فردوسی را از "ارکان اربعه زبان و ادبیات فارسی" و از "عناصر چهارگانه تربیت و ملیت قوم ایرانی"^{۷۲} و مهمتر از آن، "زنده و پاینده کنندهٔ آثار گذشتهٔ ایرانیان"^{۷۳} معرفی نمود. فروغی "احیا و ابقای تاریخ ملی و زبان فارسی"^{۷۴} را بزرگترین منت فردوسی بر ملت ایران دانست و توضیح داد که سرودن شاهنامه به نظم، که با طبع ایرانیان سازگارتر است، و پرهیز از عربی‌گویی و عربی‌نویسی در این کتاب مهمترین دلیل محبوبیت و تأثیر گذاری این اثر ادبی بوده است.

را مطیع قواعد عروض عربی ساختند و از این ترکیب که قدیمی ترین و کامل ترین نمونه آن بحر متقارب است ادبیات نجیب ایران امروزه حاصل می شود.^{۶۵} بدین ترتیب، ژرژ مار جنبه دیگری از مبارزه با عربی مآبی در شاهنامه را به حضار جلسه گوشزد کرد.

در برخی از سخنرانی‌ها فردوسی منجی تاریخ ایران باستان و منابع کهن زردشت معرفی شد. برای نمونه، بهرام گور انکلساریا، در سخنرانی خود تحت عنوان "فردوسی جاودان"، با ذکر جزئیات توضیح داد که منابع مهم زردشتی، که بر اثر حمله اعراب در معرض نابودی قرار داشت، چگونه توسط موبدان زردشتی که برای "حفظ نام و آوازه پدران و دین مقدس خود به هندوستان مهاجرت کردند،"^{۶۶} حفاظت شده بود و مورد استفاده فردوسی در سرودن شاهنامه قرار گرفت. وی پس از معرفی منابع مورد استفاده در سرودن شاهنامه و ستودن تلاش‌های فردوسی برای مطالعه این متون، که به زبان پهلوی و یا اوستایی نوشته شده بودند، بر نقش انکار ناکردنی فردوسی در حفظ این منابع، از طریق گنجاندن برخی از مطالب آنها در شاهنامه تأکید کرد. انکلساریا سخنرانی خود را با تأکید بر برادری نژادی میان ایرانیان و پارسیان هند به پایان رساند و از تلاش‌های جامعه ایرانی "برای تعالی کشور خود، برای پسران و دختران کشورشان، و برای خواهران و برادرانشان که سرزمین محبوب خود را ترک گفته و ... از آنان جدا شده اند،" قدردانی نمود.^{۶۷}

تأکید بر برادری نژادی میان هندیان و ایرانیان در سخنرانی محمد اسحق (متولد ۱۸۹۶ م.)^{۶۸} به نحوی بارز بازتاب یافت. اسحق تأثیرپذیری معماری، صنایع ظریفه و فرهنگ هندی از تمدن ایرانی را امری واضح دانست و اظهار داشت که چیرگی مسلمانان ایرانی بر هند سبب اصلی رواج تمدن ایرانی و زبان فارسی در این کشور بوده و برادری میان هند و ایران باعث جلب تمدن ایرانی و رونق زبان و آثار ادب فارسی، از جمله شاهنامه فردوسی، در هند شده است. وی درباره برادری و ارتباط دیرینه ایران و هند گفت: "از دوره ماقبل تاریخ، از وقتی که تاریخ تمدن تدوین شده یا به زبان دیگر از زمانی که مدنیت بشر آغاز شده هیچگاه رشته یگانگی و ارتباط این دو برادر از یک پدر و مادر (یعنی ایران و هند) گسیخته نشده است."^{۶۹}

دیدگاه نژادی منفی نسبت به ترک‌ها و اعراب نیز در برخی از سخنرانی‌ها به شکلی مستقیم و یا غیر مستقیم



پادشاهی ضحاک، (مازندران، قرن پانزدهم میلادی)، کتابخانه بریتانیا، لندن

^{۶۵} محمد علی فروغی، "مقام فردوسی و اهمیت شاهنامه"، هزاره فردوسی (تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۲)، ۲۷.

^{۶۶} فروغی، "مقام فردوسی"، ۳۱.

^{۶۷} فروغی، "مقام فردوسی"، ۲۷ و ۳۱.

^{۶۸} فروغی، "مقام فردوسی"، ۲۸.

^{۶۹} فروغی، "مقام فردوسی"، ۲۸.

^{۷۰} فروغی، "مقام فردوسی"، ۳۰.

^{۷۱} ژرژ مار (George Marr) متولد ۱۹۸۳ مستشرق و زبان‌شناس اهل اتحاد جماهیر شوروی، در زمان کنگره هزاره فردوسی در موزه آسیایی آکادمی هایک کار می‌کرد و در انستیتوی زبان‌های زنده شرقی تدریس می‌نمود. تألیفات پروفیسور مار اغلب در زمینه زبان و ادب فارسی بود که از جمله آنها می‌توان به کتاب اصول زبان فارسی اشاره کرد. به نقل از "گشایش انجمن جشن هزارمین سال تولد شادروان فردوسی،" ایران باستان، سال ۲، شماره ۳۴ (۱۵ مهر ۱۳۱۳/۷ اکتبر ۱۹۳۴)، ۱۵.

^{۷۲} ژرژ مار، "وزن شعر شاهنامه،" هزاره فردوسی (تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۲)، ۲۲۰.

^{۷۳} مار، "وزن شعر شاهنامه،" ۲۲۷.

^{۷۴} مار، "وزن شعر شاهنامه،" ۲۲۴.

^{۷۵} مار، "وزن شعر شاهنامه،" ۲۲۶.

^{۶۶} Bahram Gür Anklesaria, "The Immortal Firdausi," *Hizārāhi-yi Firdawst* (Tehran: Duniyā-yi Kitāb, 1362/1983), 1.

^{۶۷} Anklesaria, "The Immortal Firdausi," 15.

^{۶۸} محمد اسحق، اندیشمند هندی و استاد زبان و ادبیات فارسی و عرب در دانشگاه کلکته بود. از آثار وی می‌توان از سخنوران ایران در مصر و زبان اردو نام برد. بنگرید به ایران، سال ۱۸، شماره ۴۰۵ (۱۷ مهر ۱۳۱۳/۹ اکتبر ۱۹۳۴)، ۱.

^{۶۹} محمد اسحق، "نقوذ فردوسی در هندوستان،" هزاره فردوسی (تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۲)، ۱۷۷-۱۷۸؛ نقل قول از صفحه ۱۷۷.

مطرح گردید. عباس اقبال (۱۹۵۵-۱۸۹۶ م. ۱۲۷۵-۱۳۳۴ ش.)^{۷۰} در سخنرانی خود با عنوان "نقش و نگار داستان‌های ملی ایران قدیم" توضیح داد که ایرانیان "از عهد باستان بین مطلب و مضمون قصص و سیر و نقش و صورت به یک نوع ملازمه‌ای قائل بودند" و به همین دلیل "قصص و داستان‌های ملی و سیر ملوک ایرانی... از خیلی قدیم توأم با نقش و نگار و شکل و تصویر بوده" است.^{۷۱} وی برای این ادعا نمونه‌های فراوانی ذکر کرد. نکته ظریفی در برخی از این مثال‌ها نهفته است که می‌توان آن را با دیدگاه نژادی منفی نسبت به اعراب هماهنگ دانست. به عنوان نمونه، وی از فرش گران قیمت بهارستان کسری سخن به میان آورد و توضیح داد که بر اساس روایات تاریخی، این فرش که اعراب آن را "قطیف" می‌نامیدند، در جریان حمله اعراب به ایران به دست لشکر اعراب افتاد و به مدینه، مرکز خلافت فرستاده شد. پس از آن عمر، خلیفه مسلمین، دستور داد که این فرش پاره پاره شود و در میان برخی از لشکریان به عنوان غنیمت جنگی تقسیم گردد. سخنرانی عباس اقبال به طور مستقیم دیدگاه نژادی منفی ایرانیان را نسبت به اعراب تأیید نمی‌کند اما از آنجا که هنر یکی از نشانه‌های پیشرفت تمدن و فرهنگ یک جامعه است، اقبال با معرفی اعراب به عنوان قومی که دارای هیچ‌گونه درکی از هنر نبودند، آنها را غیرمتمدن جلوه می‌دهد. یوگنی ادواردویچ برتلس (Evgenii Eduardovich Bertel's, 1890-1957)^{۷۲}، نماینده شوروی، در سخنرانی کوبنده خود، مهمترین پیام شاهنامه را فراخوان فردوسی برای "تأسی ایرانیان به اجداد و نیاکان" برای "تجدید روزگار سعادت Yima یعنی جمشید" دانست.^{۷۳} وی شاهنامه

را به سه بخش اساطیری، پهلوانی و تاریخی تقسیم کرده، جنگ نیک و بد، یا به عبارت دیگر مبارزه اهورا و اهریمن، را حلقه اتصال بخش‌های سه‌گانه شاهنامه معرفی نمود. برتلس اظهار داشت که هر قسمت از بخش‌های سه‌گانه شاهنامه با حمله یک نیروی اهریمنی به ایران و ظهور پهلوانی اهورایی برای بازپس‌گیری کشور، به اتمام می‌رسد. بخش اساطیری با حکومت ضحاک اهریمن صفت- که از نژادی غیر ایرانی است- و غلبه فریدون بر او به اتمام می‌رسد. بخش پهلوانی با پیروزی ایران، "طرفدار یزدان"، بر توران، "طرفدار اهریمن"،^{۷۴} و یا به عبارت دیگر، غلبه رستم، پهلوان ایرانی، بر افراسیاب ترک، پادشاه توران زمین به پایان می‌رسد. بخش سوم با حمله اعراب به ایران و شکست سپاه یزدگرد سوم خاتمه می‌یابد اما در اردوگاه لشکریان عرب، از زیر زمین، ندای ظهور سوشیانت، منجی دین زردشتی، به گوش می‌رسد و پیروزی نیک بر بد را نوید می‌دهد. برتلس در پایان، ضمن تطبیق تراژدی روایت شاهنامه بر تراژدی زندگی فردوسی و سر باز زدن محمود غزنوی ترک‌نژاد از پرداخت صلح او، شاهنامه را کتاب راهنمای ملت ایران در هنگام "تجدید قوا" معرفی نمود.^{۷۵} بدین ترتیب، برتلس نه تنها در سخنرانی خود به طور مستقیم بر نژاد ترک و عرب تاخت و با قرار دادن آنها در صف اهریمنیان و در مقابل ایرانیان، که به عقیده او نماینده اهورا مزدا بر روی زمین بودند، بر دیدگاه منفی ایرانیان نسبت به نژادهای بیگانه، خصوصاً اعراب تأکید ورزید، بلکه از ایرانیان برای بازگشت به گذشته پر شکوه و عظمت پیش از اسلام دعوت کرد.

^{۷۰}عباس اقبال آشتیانی در تهران متولد شد. وی پس از از تحصیل در دانشگاه سوربن پاریس و دانشگاه تهران، به عنوان استاد تاریخ در دانشگاه تهران مشغول به تدریس گردید. اقبال در اواخر عمر به عنوان وابسته فرهنگی به ترکیه و ایتالیا اعزام شد و تا پایان عمر در این سمت باقی ماند تا سرانجام در زمستان ۱۹۵۵ در رم دار فانی را وداع گفت. از مهمترین آثار او تصحیح لغت فرس اسدی توسی (تهران: چاپخانه مجلس، ۱۹۴۱-۱۹۴۰)، شعر و موسیقی در ایران (تهران: انتشارات هیرمد، ۱۹۸۷) و تاریخ ایران پس از اسلام: از صدر اسلام تا انقراض قاجاریه (تهران: نشر نامک، ۱۹۹۹) است.

^{۷۱}عباس اقبال آشتیانی، "نقش و نگار داستان‌های ملی ایران قدیم"، هزاره فردوسی (تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۲)، ۱۸۴.
^{۷۲}یوگنی ادواردویچ برتلس در سنت پترزبورگ متولد شد. وی پس از فارغ‌التحصیلی از مدرسه السنه شرقی سنت پترزبورگ به عضویت موزه آسیایی آکادمی علوم شوروی در آمد. برتلس همچنین عضو هیئت علمی دارالفنون شرقی آکادمی علوم شوروی و استاد زبان فارسی و تاریخ ادبیات ایران در دانشگاه لنینگراد بود. وی آثار برجسته‌ای درباره عرفان و ادبیات عرفانی، و آثار شعرا و نویسندگان ایران از جمله فردوسی،

نظامی، جامی، و امیر علیشیر نوایی دارد. از جمله تألیفات مهم او در زمینه شاهنامه می‌توان اثر مشترک او با گروهی از اندیشمندان تحت عنوان شاهنامه فردوسی: متن انتقادی (مسکو: اداره انتشارات ادبیات خاور، ۱۹۷۱-۱۹۶۰) نام برد که به شاهنامه مسکو موسوم است.

^{۷۳}یوگنی ادواردویچ برتلس، "منظور اساسی شاهنامه"، هزاره فردوسی (تهران: دنیای کتاب: ۱۳۶۲)، ۱۸۸.

^{۷۴}برتلس، "منظور اساسی شاهنامه"، ۱۸۷.

^{۷۵}برتلس، "منظور اساسی شاهنامه"، ۱۸۹.

^{۷۶}سید حسن تقی‌زاده، سیاستمدار و اندیشمند بزرگ ایرانی، در تبریز متولد شد. وی از سردمداران تجددطلبی و از مشروطه‌خواهان برجسته عصر خویش بود. از مهمترین فعالیت‌های او به همراه چند تن از اندیشمندان ایرانی، انتشار نشریه کاهه (۱۹۱۶-۱۹۲۲) در برلین بود. وی در مقاطع مختلفی از زندگی پر فراز و نشیب خود، گاه به اختیار و گاه به اجبار، در کشورهای مختلف دنیا زندگی کرد. تقی‌زاده در طول حیات سیاسی خود به سمت‌های مختلف سیاسی رسید. وی صاحب آثار برجسته‌ای در زمینه تاریخ و ادبیات ایران است. از مهمترین آثار تقی‌زاده می‌توان به مانی و دین او (تهران: ۱۹۵۶)، زمینه انقلاب مشروطیت ایران: سه خطابه (تهران:

سید حسن تقی‌زاده (۱۹۶۹-۱۸۷۸ م. / ۱۲۵۷-۱۳۴۸ ش.)^{۷۶} در سخنرانی خود تحت عنوان "شاهنامه و فردوسی" با استناد به ابیاتی از شاهنامه و یوسف و زلیخا بر دیدگاه منفی فردوسی نسبت به اعراب تأکید ورزید^{۷۷} و اظهار کرد که فردوسی با "تحقیر" و "کینه قلبی" از اعراب یاد می‌کرد و جنگ قادسیه را "یک بدبختی برای ایران" به شمار می‌آورد.^{۷۸} تقی‌زاده افزود که با وجود محبت و ارادات فراوان فردوسی به آل علی و تمایل او به تشیع، نمی‌توان او را مسلمانی متعصب دانست. به همین دلیل در برخی ابیات شاهنامه از اسلام به عنوان "دین عرب" یاد شده است.^{۷۹} اگرچه تقی‌زاده آذری و از نوادگان پیغمبر (سید) بود و تمایلات نژادپرستانه در منش او جایی نداشت، اما سخنرانی وی به دلیل تأکید بر دیدگاه نژادی منفی فردوسی نسبت به اعراب در خدمت برنامه سیاسی فرهنگی دولت پهلوی قرار گرفت.

هانری ماسه در پایان سخنرانی خود با عنوان "اوصاف مناظر طبیعت" علاقه فردوسی را به تمام اجزای طبیعت ایران ستایش کرده و آن را "تجیب‌ترین و خالص‌ترین صورت وطن‌پرستی" فردوسی دانست و ایرانیان را به محبت ورزیدن به فردوسی دعوت نمود.^{۸۰}

جان درینک واتر (John Drinkwater, 1882-1937)^{۸۱} شاعر انگلیسی، نیز در شعری که در کنگره فردوسی برای حاضران مجلس قرائت کرد، وطن‌پرستی و قیام ناسیونالیستی ایرانیان را برای بازسازی کشور و بازگشت به گذشته پرشکوه خود مورد ستایش قرار داد.^{۸۲} این شعر توسط ملک الشعرای بهار به فارسی و بر وزن شاهنامه در کنگره فردوسی ترجمه شد. جان کلام در ابیات برگزیده زیر بیان شده است:

انتشارات گام، ۱۹۵۷)، و فردوسی و شاهنامه او (تهران: انجمن آثار ملی، ۱۹۷۰)، که ویراستاری آن را حبیب یغمائی به عهده داشت، اشاره کرد.^{۷۷} ابیات زیر بخشی از نامه رستم فرخزاد، سردار سپاه ایران، به سعد بن وقاص، فرمانده لشکر اعراب است. تقی‌زاده این ابیات را به عنوان شاهد مثال بر کینه فردوسی نسبت به اعراب در سخنرانی خود ذکر کرده است:

ز شیر شتر خوردن و سوسمار عرب را به جایی رسیده است کار که تاج کیان را کند آرزو تفو باد بر چرخ گردون تفو شما را به دیده درون شرم نیست ز راه خرد مهر و آرم نیست بدین چهره و این مهر و این راه و خوی همی تخت و تاج آیدت آرزوی... کز آن پس شکست آید از تازیان ستاره نگرده مگر بر زبان به نقل از حسن تقی‌زاده، "شاهنامه و فردوسی"، هزاره فردوسی (تهران:

دنیای کتاب، ۱۳۶۲)، پاورقی صفحه ۱۲۵.^{۷۸} تقی‌زاده، "شاهنامه و فردوسی"، ۱۲۵.^{۷۹} تقی‌زاده، "شاهنامه و فردوسی"، ۱۲۵.^{۸۰} هانری ماسه، "اوصاف مناظر طبیعت در شاهنامه"، هزاره فردوسی

"از ایران نرفته است نام و نشان شکست جهان نشکند پشتشان هزیمت نیاورد در بندشان نبرده دل و فر و اورندشان اگر چند پروردگار سخن بیست از سخن دیرگاهی دهن چو بر تابداستاره ارجمند نهند از سخن کاخ‌هایی بلند سر تخت جمشید را نو کنند ز نو یاد جمشید و خسرو کنند... ز طهران که بنگاه تاج است و تخت به گوش آید آوازه فر و بخت ز شیرازی و اصفهانی سرود بود ترزبان رکنی و زنده رود چو خیزد نواشان ز مهر و ز درد نباشد کم از فخر ننگ و نبرد"^{۸۳}

بدین ترتیب شرق‌شناسی - که بر اساس نظریه ادوارد سعید در کتاب شرق‌شناسی از فرآورده‌های استعمار و ابزاری برای رساندن استعمارگران غربی به اهداف خود است - در جشن هزاره فردوسی در خدمت برنامه‌های سیاسی - فرهنگی دولت پهلوی اول قرار گرفت. ادوارد سعید شرق‌شناسی را تفسیر و توصیف کشورهای شرقی بر اساس دیدگاه شرق‌شناسان به منظور کمک به اجرای نقشه‌های استعمارگرایانه دول غربی می‌داند.^{۸۴} برگزاری جشن هزاره فردوسی رویدادی فرهنگی بود که در آن میهن‌پرستی ایرانی با دانش شرق‌شناسی هم‌سو شد و شرق‌شناسی به عنوان ابزاری کار آمد در جهت تحقق آرمان‌های ملی دولت پهلوی مورد استفاده قرار گرفت. توصیف شرق‌شناسان از دوره پیش از اسلام به عنوان دوران شکوه و شوکت

(تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۲)، ۱۴۹.

^{۸۱} جان درینک واتر، شاعر، نمایشنامه نویس و منتقد ادبی انگلیسی در لندن متولد شد. وی بیشتر شهرت خود را مدیون نمایشنامه آبراهام لینکلن (Boston: Houghton Mifflin Company, 1919) است. از دیگر آثار او می‌توان از دیوان اشعار قدیم و جدید (Boston and New York: Houghton Mifflin Company, 1919 & 1925) و شعر قرن بیستم (Boston: Houghton Mifflin Company, 1929) نام برد.

^{۸۲} John Drinkwater, "New Lines Written in Dejection Travelling to Persia," *Hizrah-yi Firdawsi* (Tehran: Duniya-yi Kitāb, 1362/ 1983), 36- 37.

^{۷۶} محمد تقی‌بهار، "ترجمه اشعار آقای درینک واتر، شاعر انگلیسی"، هزاره فردوسی (تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۲)، ۴۰- ۳۹. همچنین بنگرید به "مستر جان درینک واتر شاعر نامی انگلستان"، ایران، سال ۱۸، شماره ۴۵۰۳، (۱۶ مهر ۱۳۱۳ / ۸ اکتبر ۱۹۳۴)، ۱.

^{۸۴} Edward W. Said, *Orientalism* (New York: Vintage Books, 1993).

ایران این امکان را برای دولت پهلوی فراهم کرد که تبلیغات خود را برای بازگشت به گذشته پیش از اسلام بر پایه‌ای علمی استوار کند و راه را برای تأکید بر اهمیت مسائل زبانی و نژادی هموار سازد. استفاده از دانش شرق‌شناسان در تهیه نقشه آرامگاه فردوسی بر اساس نقشه‌ای که هرتسفلد از آرامگاه کورش تهیه کرده بود شرط لازم برای تحریک عواطف وطن پرستانه مردم به شمار می‌رفت. به علاوه، چاپ و انتشار سخنرانی گروهی از شرق‌شناسان در کنگره فردوسی درباره نقش این شاعر بزرگ در حفظ زبان و تاریخ ایران، برتری نژاد آریایی و اهمیت پاکسازی زبان فارسی شکل دیگری از به کارگیری شرق‌شناسی برای اجرای برنامه‌های فرهنگی و سیاسی دولت بود. به طور خلاصه می‌توان نتیجه گرفت که دانش شرق‌شناسی مواد لازم را برای تحقق آرمان‌های فرهنگی - سیاسی دولت پهلوی فراهم کرد. هم‌سو شدن این علم با ناسیونالیسم ایرانی را می‌توان به منزله تحولی بزرگ در روش استفاده ابزاری از این دانش تلقی نمود. شرق‌شناسی که همواره به منزله ابزاری مؤثر در جهت اجرای برنامه‌های سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی دولت‌های استعمارگر به کار برده می‌شد، در جریان جشن هزاره فردوسی برای بسیج کردن مردم به منظور شرکت در برنامه‌های فرهنگی - سیاسی دولت، رنگ علمی بخشیدن به این برنامه‌ها، و تحقق اهداف دولتمردان پهلوی در سطح ملی و جهانی مورد استفاده قرار گرفت.

جشن هزاره فردوسی، به ویژه برگزاری کنگره فردوسی، پیامدهای مهمی به دنبال داشت. از جمله این پیامدها تأسیس فرهنگستان زبان فارسی به منظور اصلاح خط و زبان فارسی بود. تأکید بر پاکسازی زبان فارسی از کلمات و عبارات عربی و ترکی و دعوت به راه اندازی یک "آکادمی زبان" برای اجرای

این مقصود، از پیش از جشن هزاره فردوسی در نشریات گوناگون انعکاس یافته بود.^{۸۵} با برگزاری کنگره فردوسی و تأکید بر نقش فردوسی در حفظ زبان فارسی اهمیت تأسیس آکادمی زبان بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت و بدین سان فرهنگستان زبان فارسی در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۱۴ تأسیس و اساس نامه آن تنظیم شد.^{۸۶} اولین جلسه فرهنگستان در عمارت سابق مدرسه حقوق لاله زار در تاریخ ۱۲ خرداد ۱۳۱۴ با ریاست محمد علی فروغی و شرکت ۲۴ عضو پیوسته منعقد گردید. دو سال بعد هانری ماسه و یک سال پس از آن چهار تن از اندیشمندان مصری و یان ریپکا، که در کنگره هزاره فردوسی سخنرانی کرد، به عنوان اعضای وابسته، به فرهنگستان زبان فارسی پیوستند.^{۸۷}

از دیگر پیامدهای کنگره هزاره فردوسی که نمودی بین‌المللی داشت، تغییر نام کشور از "پارس" به "ایران" در سال ۱۳۱۴ ش. بود. بحث برتری نژاد پاک آریایی که در عهد رضاشاه رواج یافته بود و در نشریات و روزنامه‌ها از آن دفاع می‌شد، با معرفی شخصیت فردوسی به عنوان قهرمان ملی و حافظ تاریخ ایرانیان آریایی نژاد و به دلیل دیدگاه منفی وی نسبت به ترکان و اعراب، در طول مدت جشن هزاره فردوسی از اهمیتی دو چندان برخوردار شد. بی تردید، تأکید بر مسائل نژادی در کنفرانس فردوسی و به دنبال آن تغییر نام کشور به "ایران" گامی مهم در جهت پیشبرد سیاست‌های فرهنگی دولت ایران برای بازپردازی هویت ایرانیان به عنوان ملتی آریایی نژاد بود. در بخشنامه وزارت امور خارجه مورخ ۳ دی ماه ۱۳۱۳ آمده است: "از نقطه نظر وادی نیز چون مولد و منشأ نژاد آریین در ایران بود طبیعی است که خود ما نباید از این اسم بی بهره بمانیم خاصه که امروز در پاره‌ای از ممالک معظم دنیا سرو صداهایی در اطراف

^{۸۵} به عنوان مثال، رضا کلاتری در "ایران باستان، ایران نو" چنین می‌نویسد: "اگر پلی برای پیوند ایران باستان و ایران نو باشد همین پارسی خواهد بود و بس." کلاتری ضمن تحسین تلاش‌های ترکان برای زدودن کلمات بیگانه از زبان ترکی، خواهان تأسیس "کانون زبان پارسی" برای به عهده گرفتن این وظیفه مهم می‌شود. در مقاله دیگری با عنوان "احیای زبان فارسی" خ. صبری تأسیس یک آکادمی زبان را امری ضروری برای وضع و چاپ کردن کلمات پارسی جدید و گنجانیدن متون شعری کهن در کتاب‌های درسی مدارس می‌داند. بنگرید به رضا کلاتری، "ایران باستان، ایران نو"، ایران باستان، سال ۱، شماره ۲ (۸ بهمن ۱۳۱۱/۲۸ ژانویه ۱۹۳۳)، ۴، و خ. صبری، "احیای زبان فارسی"، ایران باستان، سال ۱، شماره ۱۶ (۲۸ اردیبهشت ۱۳۱۲/۱۸ می ۱۹۳۳)، ۶.

^{۸۶} اساس‌نامه فرهنگستان در برخی از نشریات وقت به چاپ رسید. به عنوان نمونه، بنگرید به "اساس‌نامه فرهنگستان ایران"، ایران باستان،

سال ۳، شماره ۲ (۲۵ خرداد ۱۳۱۴/۱۶ ژوئن ۱۹۳۴)، ۲ و ۱۵.

^{۸۷} وزارت اوقاف و معارف و صنایع مستظرفه. روزنامه تاریخ به روایت اسناد ملی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، (۱۸ شهریور ۱۳۱۶).

<http://www.nlai.ir/portals/0/files/ganjine/calendar/shahrivar18/c.jpg>

همچنین بنگرید به وزارت اوقاف و معارف و صنایع مستظرفه. روزنامه تاریخ به روایت اسناد ملی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، (۱۶ شهریور ۱۳۱۷).

<http://www.nlai.ir/portals/0/files/ganjine/calendar/shahrivar16a.jpg>

وزارت اوقاف و معارف و صنایع مستظرفه. روزنامه تاریخ به روایت اسناد ملی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، (۲۱ شهریور ۱۳۱۷).

<http://www.nlai.ir/portals/0/files/ganjine/calendar/shahrivar.21.jpg>

بافتخار و یادگار جشن هزارمین سال بهشتی روان فردوسی در زیر تو جهات مخصوص اعلیحضرت همایون شاهنشاه پهلوی

در این هنگام فرخنده که همه گونه در راه بلند ساختن نام گوینده بزرگ پارسی زبان فردوسی کوشش میشود، یادگاری نیکوتر و پایدارتر از این نیست که بافتخار این جشن پیروز امیر پست و مدالی و یا یک پنج ریالی بیاد فردوسی آماده و انتشار یابد؛ که بر روی تمبر بیکر فردوسی از روی شاهکار پیکرنگار سترگ ایران کمال الملک و بزرگ روی مدال همان بیکر و بر روی دیگرش بنای آرامگاه فردوسی و بر روی پنج ریالی یکطرف بنای آرامگاه و یکطرف تاریخ بنا در عهد خجسته شاهنشاهی اعلیحضرت همایون شاهنشاه پهلوی نقش گردد
این سه یادگار پایدار بهترین نمونه احساسات پاک ایرانیان؛ در دوره نهضت ملی نسبت بگوینده بزرگ باستانی ایران پاک روان فردوسی است
ایران باستان

اعلان هزاره فردوسی، ایران باستان، سال ۲، شماره ۳۳ (۸ مهر، ۱۳۱۳، ۳۰ سپتامبر ۱۹۳۴)، ۲.

بافتخار جشن هزارمین سال شادروان فردوسی

ما را این اندیشه بود که شماره مخصوص پیش از فرا رسیدن جشن انتشار دهیم؛ سپس بر آن شدید که در پایان جشن فیروز این کار را انجام دهیم. شماره ای که یادگار جشن هزار ساله فردوسی شادروان در دسترس همگان میگذاریم دارای گذارش مفصل و عکسها از میهمانان و ایران شناسان عزیز خواهد بود.

از متصدیان و میهمانان محترم و هم از خود آن بزرگواران خاور شناس خواهشمندیم که عکسها با شرح حالشان را از روی مهربانی برای شماره یادگار این جشن فرخنده بداره نامه ایران باستان بفرستند. در این فرصت از دانشمندان و نویسندگان بزرگوار ایران نیازمندیم که با نوشتن مقالات و سرودن اشعار نثر راجع بفردوسی باگروان و باگذارش (تاریخچه) این جشن بزرگ آن شماره مخصوص را زینت بخش سازند
ایران باستان

اعلان هزاره فردوسی، ایران باستان، سال ۲، شماره ۳۴ (۱۵ مهر، ۱۳۱۳، ۷ اکتبر ۱۹۳۴)، ۲.

<p>به شماره ۲۴۵ خودداری نام انضامی ایران زاده شهری ۵ دو جلد ۱۴ امر شماره ۶۶۲۷ اعلان تیت ادلاک در تطیب ماده ۱۴ قانون شماره ۶۶۲۲ گوشه‌های شهر ۶۶۲۳ و ۲۴ تقطعه باغ</p>	<p>ظاهر در کمسیون ساختمان تیت کل بازقرات خواهد شد - حضور پیشنهاد دهندگان در مجالس قرات پیشنهاد ها مجاز و اداره در رد و قبول یک یا گلبه پیشنهاد ها مختار است . نمبر اعلان ۲۴۸ ۲-۲ دو تیس بماسیات تیت کل مملکتی - اصل اله مهیا</p> <h3 style="text-align: center;">شاهنامه فردوسی</h3> <p>چاپ بروحیم تصحیح آئی میرزا عباس خان اقبال از روی نسخه وولرس دارای یکصد نقش دروش در دوازده جلد طبع می شود (ده جلد متن، یک جلد فرهنگ لغات و یک جلد شرح حال فردوسی) چهار جلد آن بهترین طرز در این دوزها منتشر خواهد شد. برای معرفی و توصیف این شاهنامه فضاوت خریداران کافی خواهد بود. محل فروش کتابخانه بروحیم و انم در خیابان علاء الدوله طهران نمبر اعلان ۲۴۲۲ ۲-۲</p> <h3 style="text-align: center;">دوره حکمت طبیعی</h3> <p>از انتشارات جامعه لیسانسیه های دانش سرای عالی یک دوره بزرگ دوره دوم متوسطه تالیف آقایان مهدی صدیقی و میرمن و شیخی چهارم و پنجم</p>
---	--

اعلان چاپ شاهنامه فردوسی، ایران باستان، سال ۲، شماره ۳۴ (۵ مهر، ۱۳۱۳، ۲۷ سپتامبر ۱۹۳۴)، ۴.

از نقاشی، کاشی‌کاری، حجاری و کتب‌نظم فارسی به نمایش گذاشته شد.^{۹۱} مراسمی نیز در روز ششم مهر ۱۳۱۳ در یکی از موزه‌های بادکوبه آغاز شد و عده زیادی از ادیبان و سخنوران بادکوبه درباره احوال و آثار فردوسی سخنرانی کردند. از جمله سخنرانان، آقای مرزبان کنسول دولت ایران بود که از اقدامات دولت شوروی برای برگزاری جشن فردوسی سپاسگزاری کرد. اطراف محل ایراد سخنرانی‌ها با کتب خطی قدیمی حاوی مینیاتور که در محفظه‌های شیشه‌ای نگهداری می‌شد تزئین شده بود و مجسمه فردوسی نیز در گوشه‌ای از تالار قرار داشت. پس از اتمام مراسم در سالن اپرای شهر، مراسم تئاتر و موسیقی سنتی ایران به افتخار هزارمین سال تولد فردوسی برگزار و چند پرده از داستان سیاوش و سودابه، و داستان کاوه و ضحاک به همراه ساز و آواز نمایش داده شد. در گزارشی از جشن فردوسی در بادکوبه که در تاریخ ۱۲ مهر ۱۳۱۳ در روزنامه ایران به چاپ رسید، نمایش داستان‌های شاهنامه در این جشن به عنوان یکی از عوامل بر انگیزاننده حسن افتخار "هر ایرانی نسبت به تاریخ ایران باستان" معرفی شده است.^{۹۲}

در شهر دوسلدورف آلمان هم‌زمان با جشن هزاره فردوسی در ایران، نمایشگاهی از نقاشی‌ها و مینیاتورهای ایران مربوط به قرون ۱۳ تا ۲۰ برگزار گردید. در مراسم افتتاحیه نمایشگاه بر برادری نژادی ملت ایران و آلمان، شباهت پیشرفت‌های دو ملت در عهد رضاشاه و هیتلر، و اهمیت رابطه دوستی میان دو دولت تأکید شد.^{۹۳}

در هامبورگ مجلس جشن بزرگداشت فردوسی به دعوت میرزا حسین خان دلپاک، کنسول دولت رضاشاه، و پروفیسور راین، رئیس دانشگاه هامبورگ،

نژاد آریین بلند شده که حاکی از عظمت نژاد و تمدن قدیم ایران است و پاره‌ای از ملل فخر می‌کنند که از نژاد آریائی هستند." به همین منظور از این تاریخ تبلیغات برای تغییر نام کشور در سطح بین‌المللی آغاز شد و از سفارتخانه‌های کشورهای دنیا خواسته شد که سفارت "پرس" یا "پارس" را از آن به بعد سفارت "ایران" بخوانند. همچنین علامت روی پاکت‌ها و مهرهای مربوط به سفارت نیز تغییر کرد و در آنها کلمه "ایران" به جای "پارس" جایگزین گردید. این قانون از اول فروردین ۱۳۱۴ به مرحله اجرا گذاشته شد.^{۸۸}

۵. جشن هزاره فردوسی در سایر کشورها

برگزاری جشن‌های هزاره فردوسی تنها به ایران محدود نبود. از ماه سپتامبر تا دسامبر ۱۹۳۴ این جشن‌ها در اتحاد جماهیر شوروی، آمریکا، آلمان، انگلستان، فرانسه، ایتالیا، سوئد و مصر نیز برگزار شد. هدف اصلی این جشن‌ها علاوه بر قدردانی از فردوسی و معرفی وی به عنوان یک چهره جهانی، تأکید بر تحکیم وحدت سیاسی و فرهنگی میان ایران و این کشورها بود.

جشن هزاره فردوسی پیش از آغاز در ایران، در نواحی و شهرهای مختلف اتحاد جماهیر شوروی برگزار شد. در ۲۰ سپتامبر ۱۹۳۴ در محل تئاتر اپرای مسکو جشنی به افتخار فردوسی برگزار شد و عده‌ای از نویسندگان و هنرمندان ایرانی برای شرکت در این جشن به شوروی اعزام شدند.^{۸۹} مراسم دیگری نیز در انستیتوی شرق شناسی مسکو برگزار شد. در این مراسم، محمد ساعد مراغه‌ای، مهدی دیبا و سعید نفیسی حضور داشته و هر یک نطقی ایراد کردند.^{۹۰} همچنین در موزه تمدن شرق نمایشگاهی به افتخار جشن هزاره فردوسی برگزار گردید و نمونه‌هایی

^{۹۲} محمد علی تربیت، "جشن فردوسی در بادکوبه"، ایران، سال ۱۸، شماره ۴۵۰۰ (۱۲ مهر ۱۳۱۳/۴ اکتبر ۱۹۳۴)، ۱.

^{۹۳} "نمایشگاه مهم به مناسبت جشن هزار ساله شاعر ملی فردوسی در دوسلدورف"، ایران، سال ۱۸، شماره ۴۵۶۰ (۲۳ آذر ۱۳۱۳/۱۴ دسامبر ۱۹۳۴)، ۲.

^{۹۴} ادیس حسین‌زاده خوئی، "جشن فردوسی در هامبورگ"، ایران، سال ۱۸، شماره ۴۵۴۵ (۶ آذر ۱۳۱۳/۲۷ نوامبر ۱۹۳۴)، ۱.

^{۹۵} ابوالقاسم نجم مشهور به نجم‌الملک پس از اتمام تحصیل خود در رشته علوم سیاسی به خدمت وزارت امور خارجه در آمد. وی در طول زندگی سیاسی خود به سمت‌های مختلف سیاسی منصوب شد. نجم برای مدتی وزیر مختار ایران در ژاپن و آلمان بود. از مهمترین اقدامات او در آلمان برگزاری جشن هزاره فردوسی و تشویق سازمان‌های سیاسی آلمان برای استفاده از نام "ایران" به

^{۸۸} کاظمی، روزشمار تاریخ به روایت اسناد ملی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، (۳ دی ۱۳۱۳).

<http://www.nlai.ir/portals/0/files/ganjine/calendar/dey2/3-3.jpg>

^{۸۹} اخبار شوروی - جشن هزار ساله فردوسی، "ایران، سال ۱۸، شماره ۴۴۸۶ (۲۷ شهریور ۱۳۱۳/۱۸ سپتامبر ۱۹۳۴)، ۲.

^{۹۰} اخبار جماهیر شوروی - مجلس جشن در انستیتوی شرق شناسی مسکو، "ایران، سال ۱۸، شماره ۴۴۹۲ (۳ مهر ۱۳۱۳/۲۶ سپتامبر ۱۹۳۴)، ۱. همچنین بنگرید به روزشمار تاریخ به روایت اسناد ملی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، (۱۱ شهریور ۱۳۱۳).

<http://www.nlai.ir/portals/0/files/ganjine/calendar/shahriver11/a.jpg>

^{۹۱} "نمایشگاه صنایع ایران در موزه تمدن شرقی"، ایران، سال ۱۸، شماره ۴۴۹۲ (۳ مهر ۱۳۱۳/۲۶ سپتامبر ۱۹۳۴)، ۱.

در تاریخ ۱۶ آبان در حضور اندیشمندان، خبرنگاران روزنامه ها، و جمعی از دولتمردان کشورهای مختلف برگزار گردید. در این مجلس بر "روابط اسرارانگیز نژاد هند و ژرمن" به شدت تأکید و از رضاشاه و هیتلر به عنوان مسببین اصلی پیشرفت آلمان و ایران یاد شد. همچنین رئیس دانشگاه هامبورگ از شرکت کنندگان دعوت کرد تا "احترامات خالصانه خود را به خاک پای مقدس ملوکانه" رضاشاه، که با آلمان "روابط دوستانه" دارد، تقدیم کنند. فریاد "زنده باد اعلی حضرت رضاشاه پهلوی" و "زنده باد دستور بزرگ و پیشوای آلمان آدولف هیتلر" و کف زدن برای آنها گواه تأکید بر برادری نژادی و سیاسی آلمان و ایران است که از مهمترین موضوعات مطرح شده در خلال جشن هزاره فردوسی در نقاط مختلف آلمان بود.^{۹۴}

جشن هزاره فردوسی در برلن در تاریخ ۲ اکتبر ۱۹۳۴ از طرف انجمن السنه شرقی آلمان برگزار شد. در این جشن نماینده آقای روست، وزیر معارف آلمان و آقای ابوالقاسم خان نجم (۱۲۷۱-۱۳۶۲ ش.)^{۹۵} و وزیر مختار ایران در آلمان، بر برادری نژادی ژرمن‌ها و ایرانیان تأکید کردند.^{۹۶} نطق ابوالقاسم خان نجم به طور مستقیم از طریق رادیو در تهران پخش می شد.^{۹۷} به علاوه، از طرف انجمن بلدیة شهر برلن جشنی به مناسبت نامگذاری یکی از خیابان‌های این شهر به نام "ایران" در حضور ایرانیان مقیم برلن و محصلین ایرانی در آلمان بر پا گردید و مجدداً بروز پیشرفت در ایران در زمان رضاشاه و رابطه برادری ایران و آلمان مورد تأکید قرار گرفت.^{۹۸}

در لندن مراسم جشن فردوسی از ۳۰ اکتبر آغاز شد و تا ۴ نوامبر ادامه یافت. این جشن در مدرسه زبان‌های شرقی و انجمن جغرافیایی شاهنشاهی برگزار

گردید و با مراسم شام از طرف سفارت ایران به پایان رسید. مراسمی نیز در روز ۳۱ اکتبر از طرف انجمن لردها ترتیب داده شد. در این مجلس علاوه بر اینکه سخنرانی‌هایی درباره فردوسی ارائه شد، بخش‌هایی از داستان رستم و سهراب به فارسی خوانده و سپس به انگلیسی ترجمه گردید. مراسم با تأکید بر تحکیم روابط علمی و ادبی دو کشور و تلاش برای نزدیک کردن تمدن شرق و غرب به یکدیگر به پایان رسید.^{۹۹} در مراسم جشن فردوسی در لندن، شرکت نفت ایران و انگلستان ضمانت کرد که به منظور راه‌اندازی کرسی ادبیات فارسی در مدرسه زبان‌های شرقی انگلستان به مدت سه سال، سالانه هزار لیره انگلستان به مدرسه مذکور پرداخت نماید.^{۱۰۰}

جشن هزاره فردوسی در آمریکا در شهر نیویورک با همکاری دانشگاه کلمبیا، موزه متروپلیتن صنایع، کتابخانه ملی نیویورک و به کمک ایرانیان مقیم آمریکا در تاریخ ۸ نوامبر در دانشگاه کلمبیا برگزار شد. در این جشن، میرزا غفار جلال به عنوان نماینده ایران در سخنرانی خود بر بازگشت به گذشته باستانی و پرشکوه ایران تأکید کرد.^{۱۰۱} همچنین نمایشگاهی از برخی از نسخه‌های شاهنامه به همراه اسناد مربوط به فردوسی و صنایع قدیمی ایران و تعدادی مینیاتور از تاریخ ۹ تا ۲۱ نوامبر در شهر نیویورک دایر گردید.^{۱۰۲} در خلال این جشن عده‌ای از اندیشمندان و شرق شناسان مسئولیت جمع‌آوری فهرستی از نسخه‌های گوناگون شاهنامه را بر عهده گرفتند.^{۱۰۳}

در فرانسه به مناسبت جشن هزاره فردوسی، نمایشگاهی از نسخ خطی شاهنامه، مهرها، نقشه‌ها و اسناد مربوط به روابط ایران و فرانسه در طول تاریخ در محل کتابخانه ملی فرانسه در پاریس برگزار شد. این نمایشگاه در تاریخ ۱۲ دسامبر در حضور نماینده ایران افتتاح گردید.^{۱۰۴}

جای "پارس" بود. وی همچنین مدتی چند به عنوان سفیر ایران در افغانستان و فرانسه به خدمت مشغول بود. ابوالقاسم نجم در کابینه دوم ابراهیم حکیمی در آبان ۱۳۲۴ به سمت وزارت امور خارجه منصوب شد.

^{۹۶} جشن هزاره فردوسی - برلن، "ایران، سال ۱۸، شماره ۴۵۰۰ (۱۲) مهر ۱۳۱۳ / ۴ اکتبر (۱۹۳۴)، ۱.

^{۹۷} اخبار آلمان - برلن ۲، "ایران، سال ۱۸، شماره ۴۴۹۹ (۱۱) مهر ۱۳۱۳ / ۳ اکتبر (۱۹۳۴)، ۲.

^{۹۸} خیابان ایران در برلن، "ایران، سال ۱۸، شماره ۵۶۷ (۲ دی ۱۳۱۳ / ۲۳ دسامبر ۱۹۳۴)، ۱.

^{۹۹} جشن فردوسی در لندن - جشن در انجمن لردها به افتخار فردوسی، "ایران، سال ۱۸، شماره ۵۳۹، (۲۹) آبان ۱۳۱۳ / ۲۰ نوامبر (۱۹۳۴)، ۳.

^{۱۰۰} اخبار انگلستان - برای جشن هزار ساله فردوسی، "ایران، سال ۱۸،

شماره ۴۵۲۴ (۱۰ آبان ۱۳۱۳ / ۱ نوامبر ۱۹۳۴)، ۱.

¹⁰¹ Mirzā Ghaffār khān Djalāl, *Firdausi Celebration* 935-1935, ed., David Eugene Smith (New York: McFarlane, Warde, McFarlane, 1936), 7-8.

^{۱۰۲} از مطبوعات آمریکا - جشن به افتخار شاعر نامی ایران فردوسی، "ایران، سال ۱۸، شماره ۵۳۷ (۲۷) آبان ۱۳۱۳ / ۱۸ نوامبر (۱۹۳۴)، ۲. (به نقل از نیویورک تایمز، ۲۱ اکتبر ۱۹۳۴).

^{۱۰۳} برای مشاهده لیست این نسخه‌ها بنگرید به:

Djalāl, *Firdausi Celebration* 935-1935, ed., David Eugene Smith (New York: McFarlane, Warde, McFarlane, 1936).

^{۱۰۴} اخبار فرانسه - راجع به جشن فردوسی، "ایران، سال ۱۸، شماره ۵۵۹ (۲۲) آذر ۱۳۱۳ / ۱۳ دسامبر (۱۹۳۴)، ۱.

در تاریخ ۱۸ دسامبر در سالن بزرگ سوربن مراسم پیگیری منعقد شد. در این مراسم آندره مالارمه (An-dré Mallarmé)، وزیر معارف فرانسه، در سخنرانی خود فردوسی را در ردیف شعرای بزرگ جهان چون هومر، شکسپیر و دانته قرار داد و بر نقش ترجمه فرانسوی موهل (مول) در شناساندن شاهنامه به کشورهای اروپایی تأکید کرد. وی همچنین به تأثیر شاهنامه فردوسی در اتصال "دوره اسلام به گذشته پر افتخار ایران" اشاره کرد. مالارمه در مورد علت اصلی برگزاری جشن اظهار کرد که مراسم جشن فردوسی، نه تنها برای بزرگداشت هزارمین سال تولد فردوسی بلکه به افتخار ادبیات و تمدن کهن ایران برگزار شده است.^{۱۰۵}

در رم یکی از میدان‌های شهر به نام فردوسی نامگذاری شد. جشن فردوسی در آکادمی سلطنتی ایتالیا تحت ریاست ارکوله، وزیر معارف ایتالیا، برگزار گردید. موسولینی به صورت افتخاری ریاست کمیته اجرایی مراسم را بر عهده گرفت.^{۱۰۶} انوشیروان سیهدی، وزیر مختار ایران در ایتالیا، نیز از دیگر اعضای کمیته اجرایی جشن بود. در این جشن ترجمه ایتالیایی شاهنامه که در سال‌های ۱۸۸۶ تا ۱۸۸۸م. توسط ایتالو پیتزی (Italo Pizzi, 1849-1920) نوشته شده بود، به همراه یک جلد فرهنگ لغات ایتالیایی از طرف آکادمی سلطنتی ایتالیا به رضاشاه تقدیم شد.^{۱۰۷}

در سوئد جشن باشکوهی در حضور پرنس اوژن، برادر پادشاه سوئد، به افتخار فردوسی در تاریخ ۲۱ آبان (۱۲ نوامبر) در موزه ملی استکهلم برگزار گردید. در این جشن تعدادی از نسخ خطی، نقاشی‌ها و ظروف قدیمی ایرانی به نمایش گذاشته شد. در طی این مراسم سخنرانی‌هایی در باره فردوسی، زندگی و شعر او و پیشرفت‌های ایران ایراد شد و برخی از غزلیات حافظ به فارسی قرائت گردید.^{۱۰۸}

۶. خاتمه

چنان که اشاره شد، جشن هزاره فردوسی به منظور بزرگداشت این شاعر ملی و قدردانی از خدمات وی در راه حفظ زبان و تاریخ ایران برگزار شد. اما هدف اصلی نهفته در پس برگزاری این جشن

اجرای برنامه‌های فرهنگی و سیاسی دولت پهلوی بود. دعوت به احیای تاریخ پر شکوه ایران باستان، تأکید بر برتری نژاد آریایی، دعوت به پاکسازی زبان فارسی از لغات بیگانه به ویژه لغات عربی و ترکی از بن‌مایه‌های اصلی این جشن بود. برای مشروع جلوه دادن این بن‌مایه‌ها که اساس بازپردازی هویت ملی ایرانیان به شمار می‌رفت، دولتمردان پهلوی به همراه اندیشمندان ایرانی و شرق شناسان به اجرای برنامه‌های آموزش همگانی پرداختند. انتشار آگهی‌ها، اخبار مربوط به جشن هزاره فردوسی، و مقالاتی که منعکس‌کننده ایدئولوژی‌های دولت بود، همچنین نگارش کتاب‌های گوناگون درباره فردوسی، شاهنامه و تاریخ ایران باستان، نمایش فیلم فردوسی و اجرای داستان‌های شاهنامه در قالب تئاتر از جمله مؤثرترین ابزار آموزشی دولت در اجرای برنامه‌های فرهنگی -

سیاسی خود بود. برگزاری جشن هزاره فردوسی در سطح جهانی و پشتیبانی بی‌نظیر مردم از سیاست‌های دولت در داخل کشور امکان اتحاد ایرانیان بر پایه بن‌مایه‌های یاد شده و شکل‌گیری یک رستاخیز فرهنگی را فراهم کرد. شرکت اندیشمندان و شرق شناسان در این جنبش همگانی به اهداف ملی دولت رنگی علمی بخشید و سخنرانی‌های ایراد شده در کنگره هزاره فردوسی آرمان‌های ملی دولت را در قالبی علمی مطرح کرد. اگر چه نمی‌توان جشن هزاره فردوسی را تنها نمود برنامه‌های سیاسی و فرهنگی دولت پهلوی به شمار آورد، اما باید در نظر داشت که این رویداد فرهنگی تأثیری بسزا در بازپردازی هویت ملی ایرانیان داشت. تفاخر به تاریخ پر شکوه ایران باستان و به موازات آن، پیشرفت‌های علمی و صنعتی کشور در دوره پهلوی که در جریان جشن هزاره فردوسی نمود یافت، امکان بازپردازی هویت ایرانیان را به عنوان یک ملت آریایی متجدد فراهم کرد. بدین ترتیب، تصویری تازه از ایرانیان به عنوان ملتی که ضمن احیای میراث گذشته خود، به دنبال کشورهای پیشرفته در عرصه علم و صنعت قدم نهاده‌اند، پدید آمد؛ تصویری که در پدید آوردن آن علاوه بر نهادهای دولتی چون انجمن آثار ملی، وزارت داخله کشور، وزارت امور خارجه و فرهنگستان زبان فارسی، اندیشمندان و توده‌های مردم نیز نقشی بسزا ایفا کردند.

^{۱۰۷} "اخبار ایتالی - جشن فردوسی"، ایران، سال ۱۸، شماره ۴۵۶۶ (۳۰ آذر ۱۳۱۳ / ۲۱ دسامبر ۱۹۳۴)، ۲.

^{۱۰۸} "مراسم جشن فردوسی در سوئد"، ایران، سال ۱۸، شماره ۴۵۶۴ (۲۸ آذر ۱۳۱۳ / ۱۹ دسامبر ۱۹۳۴)، ۲.

^{۱۰۵} "اخبار فرانسه - جشن به افتخار فردوسی"، ایران، سال ۱۸، شماره ۴۵۶۵ (۲۹ آذر ۱۳۱۳ / ۲۰ دسامبر ۱۹۳۴)، ۱.

^{۱۰۶} "مراسم جشن به افتخار فردوسی - رم ۱۶"، ایران، سال ۱۸، شماره ۴۵۶۲ (۲۶ آذر ۱۳۱۳ / ۱۷ دسامبر ۱۹۳۴)، ۲.

بنام سپه اومنیان و فرود	مخزن برتر انجمن شهید شهید
خادمگیسان کردان میر	فرود زنده نگار و نامیده
ز نام و نشان و جان پرست	نگارنده نبیر شهید و گوهر است
پیکر نامیده اند که پاستان	فرادان و یاد و نام و نام
پراکنده در دست هر سویدی	از راه جسد برده هر نوبدی
پیکر سپه اومنیان و فرود	دیده و بزرگ و فرود و نام
پژوهنده و روزگار غنچه	گدازه شمشیر با بخت
زهر کشی موبدی سپه اومنیان	سپه اومنیان نامیده و کرد

لوسی بوانظم کتاب شاهنامه بان و تاریخ و قومیت ایرانیان از زنده پانیده نموده است تحلیل و مکرر نام نامی آن
 وی ادب باطرحش هزار ساله فردوسی پتوده و بسیاری از دانشمندان جهان در آن جشن خنده حرکت